افغانستان

گزارش سالانهٔ ۲۰۱۲
در مورد محافظت افراد ملکی در منازعات مسلحانه

خلاصهٔ گزارش و سفارشات

دفتر کمشنر عالی ملل متحد برای حقوق بشر

هیئت معاونت ملل متحد برای افغانستان

کابل – افغانستان

فبروری ۲۰۱۳

مأموریت

گزارش سالانهٔ 2012 در مورد محافظت از غیرنظامیان در درگیری های مسلحانه، توسط بخش حقوق بشر هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما)، تهیه گردیده و دوره زمانی 1 جنوری تا 31 دسمبر سال 2012 را در بر می گیرد. دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر این گزارش را بازنگری نموده و داده های تخصصی را ارائه نموده است.

این گزارش به تعقیب مأموریت یوناما بر اساس قطعنامه 2041 (2012) شورای امنیت ملل متحد "به منظور *نظارت از وضعیت غیرنظامیان، هماهنگی تلاش ها برای تضمین محافظت از آنها، تقویت پاسخ دهی و کمک در تطبیق کامل آزادی های بنیادین و مقررات حقوق بشریِ شامل در قانون اساسی افغانستان و معاهدات بین المللی که افغانستان عضو آنها می باشد، بخصوص معاهداتی که به بهره‌مندی کامل زنان از حقوق بشری شان، ارتباط می‌گیرد" تهیه گردیده است.*

یوناما یک سلسله فعالیت هایی را با هدف کاهشِ اثرات جنگ بر غیرنظامیان به شمول موارد ذیل روی دست گرفته است: نظارت مستقل و بیطرفانه از حوادثی که در آن افراد ملکی کشته یا زخمی شده اند؛ فعالیت های دادخواهی برای تقویت محافظت از غیرنظامیانی که در منازعات مسلحانه متضرر می گردد؛ و فعالیت هایی که باعث تقویت بیشترِ مقررات حقوق بشر دوستانه بین المللی، حقوق بشر، قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان در میان تمام طرفهای درگیر می شود.

واژه نامه

حمله هوائی: حمله هوائی، مهماتِ قابل شلیک از طیاره، بشمول حمایت هوایی نزدیک توسط هواپیماهای با بال ثابت و حملات جنگی نزدیک توسط بالگردها(هلیکوپترها) را می گویند. و نیز حملاتی را می گویند که با استفاده از وسایط جنگی هوایی بدون سرنشین یا طیاره های بدون خلبانی که از راه دور کنترول می شود، صورت می گیرد.

ABP: پولیس سرحدی افغان.

ALP: پولیس محلی افغان.

ANA: اردوی ملی افغان.

ANP: پولیس ملی افغان.

ANSF: نیروهای امنیتی ملی افغان یک اصطلاح پوششی بوده که شامل پولیس سرحدی، اردوی ملی، پولیس ملی و ریاست امنیت ملی میگردد.

عناصر ضد دولتی: این اصطلاح تمامِ افراد و گروه های مسلح و یا مخالفین مسلح را که در حال حاضر در درگیری های نظامی علیه دولت افغانستان و یا نیروهای نظامی بین المللی سهم دارند، در بر می گیرد. این اصطلاح همچنین به کسانی اطلاق می شود که به عنوان "طالبان"، یا افراد و گروه هایی منسجم و مسلح غیر دولتی به شکل مستقیم در جنگ ها سهم گرفته و با مشخصات یا هویت های مختلف شناخته می‌شوند مانند شبکه حقانی، حزب اسلامی، جنبش اسلامی ازبکستان، اتحاد جهاد اسلامی، لشکر طیبه و جیش محمد و دیگر گروه های شبه نظامی و گروه های مسلح به دنبال اهداف سیاسی، ایدئولوژیک یا اقتصادی، به شمول گروه های جنایی که به طور مستقیم در اعمال خصمانه به نمایندگی از یک طرف درگیر فعالیت می نمایند.

گروپ های مسلح: نیروهای مسلح غیر دولتی را گویند که در منازعات شامل می باشند و از نیروهای دولتی متمایز هستند، که دارای تشکیلاتی می باشند که ممکن از نیروهای ملیشه گرفته تا شورشیان و مجرمین را شامل گردد. گروپ های مسلح این توانائی را دارند که با استفاده از قدرت شان از جنگ افزارهای شان بخاطر بدست آوردن اهداف سیاسی، آیدولوژیکی و اقتصادی استفاده نمایند. در حالیکه آنها در تشکیلات رسمی نیروهای نظامی دولتی جا نداشته، از هم پیمانان دولت یا نهاد درون دولتی نیز بشمار نمی آیند و هم چنان، آنها در تحت کنترل دولتی که در قلمروی شان فعالیت دارند، نیستند. گروپ های مسلح ممکن تحت فرماندهی و کنترل رسمی دولتی که در قلمروی آن فعالیت می نمایند، نباشد. اما، آنها ممکن است از کشور میزبان و سایر کشورها به شکل مستقیم یا غیر مستقیم حمایت گردد. این تعریف با وصفی که تمام گروپ های مسلح غیر قانونی را شامل نمی شود، ولی شامل گروپ های ذیل می گردد: گروپ های شورشی مخالف، ملیشه های محلی(که شامل ملیشه های نژادی، قومی و سایر همچون گروپ ها می شود)، شورشیان، تروریست ها، نیروهای دفاع مدنی و گروپ های شبه نظامی(البته زمانی که آنها بطور واضح خارج از کنترل دولت عمل می کنند).[1]

یوناما، عناصر مخالف دولت را که در این گزارش از آن نام برده شده به عنوان گروپ های مسلح غیر قانونی تلقی نموده اما آنها را نسبت به مبنای مخالفت مسلحانه شان علیه دولت افغانستان، متمایز می پندارد.

AXO: مواد انفجاری متروک

تلفات افراد ملکی: شامل کشته شده گان و زخمی های افراد ملکی می گردد و میتوان آن را به دو دسته ذیل تقسیم نمود:

- **تلفات مستقیم:** تلفاتی که بطور مستقیم از درگیری های نظامی ناشی میشود و شامل تلفات برخاسته از عملیات های نظامی انجام شده توسط نیروهای دولتی و نیروهای نظامی بین المللی می گردد. مثلاً رویداد های محافظت از نیروها، حملات هوایی، عملیات های تلاشی و دستگیری، مبارزه در مقابل شورشیان یا عملیات های ضد تروریزم. این گونه تلفات شامل تلفاتی نیز میگردد که در نتیجه فعالیت های گروپهای مسلح غیر دولتی صورت می گیرد. مانند کشتارهای سازمان یافته، تلفات ناشی از مواد منفجره جاسازی شده و یا درگیریهای مستقیم با نیروهای طرفدار دولت.

سایر عوامل یا اسباب غیر مستقیمی که منجر به تلفات می گردد: تلفاتی که بصورت غیر مستقیم از درگیری ها ناشی می شود، قرار ذیل می باشد: "تلفات ناشی از مواد منفجره باقی مانده از دوران جنگ، مرگ در زندان، مرگ ناشی از بدتر شدن احتمالی اوضاع بهداشتی که در جریان عملیات های نظامی رخ می دهد و یا زمانی که دسترسی به مراقبت های صحی منع شده یا موجود نباشد. این گونه تلفات می تواند مرگ ناشی از حوادثی را نیز شامل شود که عامل آن را به هیچ وجه نمی توان مشخص ساخت. مانند مرگ یا جراحت های ناشی از تبادل آتش.

---

[1]. مذاکرات بشر دوستانه ملل متحد با گروپ های مسلح: یک کتاب راهنما برای متخصصین مربوطه، گیرارد مک هاک و مانیول بیسلر، دفتر هماهنگی امور بشر دوستانه(OCHA)، نیویورک، جنوری 2006. به بخش 2 . 3 مشخصات گروپ های مسلحانه مراجعه گردد.

اطفال: بر اساس *کنوانسیون حقوق طفل*، "طفل" به کسی گفته می شود که زیر سن 18 سال (مشمول بدو تولد تا ختم 17 سال) باشد. در ضمن اساسنامه روم در مورد محکمه جنایی بین المللی که در سال 2003 از سوی افغانستان نیز به تصویب رسیده بود،خدمت اجباری یا شامل نمودن اطفال زیر سن 15 سال در نیروهای مسلح دولتی و یا گروه های مسلح غیر دولتی و استفاده از اطفال برای مشارکت مستقیم در خشونت ها را جرم شمرده است. (به جزء (xxvi) فقره (ب) بند (2) ماده 8 و جزء (vii) فقره اِی بند 2 ماده 8 مراجعه شود).

غیرنظامیان و مبارزین محافظت شده: مقررات حقوق بشر دوستانه بین المللی تحت نام "غیرنظامیان" کسانی را خطاب می کنند که مبارز(عضو نیروهای نظامی یا شبه نظامی) نمی باشند و یا عضو گروه های مسلح سازمان یافته ی یکی از طرف های درگیر یا بخشی از شورش گسترده[2] نباشند. در صورتی که غیر نظامیان بطور مستقیم در درگیری های نظامی شرکت کنند محافظت خویش را ممکن از دست بدهند. بطور مشابه با افراد ملکی، نظامیان و جنگجویانی که از صفوف جنگ خارج شده، مثل(مجروح، مریض،اشخاصی که کشتی شان غرق می شود، توقیف و یا تسلیم می گردند) و یا کسانیکه مربوط به بخش های صحی یا مذهبی نیروهای مسلح باشند، باید در برابر حملات محافظت شوند.

COM-ISAF: فرمانده نیروی های بین المللی یاری به امنیت در افغانستان (یا آیساف).

EOF Incidents: حادثات مربوط به عکس العمل تدریجی نیروها در مقابل یک پدیده مشکوک، که تحت عنوان "محافظت از نیروها" نیز یاد شده است: زمانی که افراد در هنگام نزدیک شدن به کاروان های نظامی یا سبقت گرفتن از آن به هشدار افراد نظامی توجه نکنند و یا هم در پوسته های تلاشی از دستورالعمل ها سرپیچی نمایند، این حوادث اتفاق می افتد.

ERW: بقایای مواد انفجاری از دوران جنگ و نیز به نام مواد منفجر ناشده و مواد انفجاری متروک یاد می گردد.

IDP: بیجا شدگان داخلی.

مواد انفجاری تعبیه شده: یعنی بمبی که برخلاف روش متعارفِ نظامی ساخته و یا جاسازی شده باشد. مواد انفجاری تعبیه شده می تواند به اشکال ذیل مشاهده شود: "بصورت بمب انتحاری، مانند مواد انفجاری جاسازی شده در بدن، کنترول از راه دور، مواد انفجاری جاسازی شده در موتر ، مواد انفجاری که با تماس قربانی خودش فعال می گردد و یا مواد انفجاری بشقاب مانندی که با آوردن فشار منفجر می گردد."

استحصال مواد انفجاری: استحصال و بهره برداری مواد انفجاری تعبیه شده شامل موارد ذیل می گردد: تشخیص، جمع آوری، تولید و توزیع نمودن معلومات جمع آوری شده از ساحه حادثهٔ مواد انفجاری به منظور به دست آوردن اطلاعات نظامی قابل استفاده، بخاطر تقویت طرزالعمل و میتود مبارزه با مواد انفجاری و به جهت کاهش منابع شورشیان و بخاطر تقویت پروسه تعقیب عدلی آنها. این استحصال شامل حفظ، تشخیص و ترمیم عناصر مواد انفجاری تعبیه شده برای آزمایش های تخنیکی، قانونی، بایومیتریک و تحلیلی شده که توسط نهادهای متخصص انجام می گیرد. استحصال مواد انفجاری تعبیه شده یک بخش اساسی اقدامات مؤثر و قوی علیه مواد انفجاری می باشد.

Incidents: حادثات: زمانی صورت می گیرد که افراد ملکی در اثر درگیری های نظامی تلف شود. گزارش تلفات ناشی از فعالیت های جرمی، شامل گزارشات تلفات افراد ملکی یوناما نمی شود.

IHL: حقوق بشر دوستانه بین المللی.

IM Forces: "نیرو های نظامی بین المللی" شامل تمام سربازان خارجی می گردد که بخشی از نیروهای آیساف و نیروهای امریکایی مستقر در افغانستان بشمول نیروهای مربوط به عملیات تحکیم آزادی که تحت فرماندهی فرمانده آیساف قرار دارند، را تشکیل می دهند. در ضمن این واژه آنعده از نیرو هایی را نیز در بر می گیرد که تحت فرماندهی آیساف عمل نکرده و شامل تعداد نیروهای ویژه و نیروهای عملیاتهای ویژه میباشد.

Injuries: به معنای جراحات جسمی با میزان شدتِ متفاوت یاد می گردد. میزان شدت جراحت ها در دیتابیس بخش حقوق بشر یوناما ثبت نمی شود. جراحت ها شامل شوک یا صدمه های غیر فزیکی و روانی و یا نتایجی که از اثر حادثات به بار می آید مانند ضربه روحی، نمی گردد.

ISAF: نیروهای بین المللی کمک به امنیت در افغانستان.آیساف بر اساس فصل 7 منشور ملل متحد مأموریت تأمین صلح را به عهده دارد. این نیروها تحت صلاحیت شورای امنیت ملل متحد اعزام شده است. در اگست 2003، ناتو بر اساس درخواست دولت افغانستان و ملل متحد، فرماندهی آیساف را به عهده گرفت. نیروهای آیساف تا 3 دسمبر 2012 تقریباً شامل

---

[2]. اصطلاح قیام یا شورش عمومی در کنوانسیون سوم ژنو تذکر یافته: "ساکنین یک سر زمین اشغال ناشده، که در برخورد با نیروهای مهاجم فورا سلاح در دست می گیرند و در مقابل آنها مقاومت می کنند بدون اینکه وقت داشته باشد تا خود را در واحد های منظم نظامی شامل سازند مشروط به اینکه سلاح را در ملا عام حمل نموده و قوانین و سنت های جنگ را رعایت می کنند." فقرهای (1) و (6) ماده 4.

102052 نفر از 50 کشور مساعدت کننده نیرو می گردید که در شش سلسله فرماندهی ساحوی به علاوه مقر فرماندهی آیساف در کابل مستقر می باشند. از نومبر 2008 بدین سو، فرمانده آیساف به عنوان فرمانده نیروهای امریکایی در افغانستان نیز خدمت می کند، در حالیکه سلسله فرماندهی هر دو نیرو جداگانه می باشد. قطعنامه 2069(2012) شورای امنیت یکبار دیگر بر قطعنامه های قبلی در مورد تمدید مأموریت آیساف به مدت 12 ماه دیگر الی 13 اکتوبر 2013 تأکید می نماید.

MoI: وزارت امور داخله.

NATO: سازمان پیمان اتلانتیک شمالی. اعضای ناتو عمده ترین کشور های سهیم در آیساف می باشند. به آیساف مراجعه شود.

NDS: ریاست امنیت ملی افغانستان یا استخبارات دولتی افغانستان.
NGO: سازمان غیر دولتی.

Pro-Government Forces (PGF): نیرو های طرفدار دولت (نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان): این نیروها تمام نیروهایی دولتی و سایر نیروهای را در بر می گیرد که در عملیات ضد تروریزم در قالب نیروهای نظامی و شبه نظامی فعالیت میکنند و بطور مستقیم یا غیر مستقیم تحت کنترول دولت افغانستان می باشند. این نیروها شامل دسته های ذیل می گردد، ولی محدود به اینها نیستند: اردوی ملی، پولیس ملی، پولیس سرحدی، نیروهای ریاست امنیت ملی، پولیس محلی و سایر نیروهای محافظتی محلی و نیز نیروهای بین المللی و سایر نیروهای استخباراتی و امنیتی خارجی.

SOP: طرز العمل معیاری عملیاتی.

قتل های هدفمند یا کشتار سازمان یافته: قتل های هدفمند یا کشتار سازمان یافته زمانی گفته می شود که دولت و عناصر دولتی از نیروی کشنده، آن هم به شکل عمدی، قصدی و با پلان از قبل طرح شده در زیر چتر قانون استفاده نماید یا اینکه عین عمل توسط گروپ سازمان یافته در منازعات مسلحانه انجام شود و از این طریق اشخاصی معینی را که بطور فزیکی در تحت توقیف مرتکبین قرار ندارند، به قتل برساند. هر چند در بسیاری از حالات کشتار هدفمند و سازمان یافته حق حیات را نقض می کند، اما در بعضی از شرایط استثنایی جنگ مسلحانه ممکن قانونی باشد.[3]

UNDSS: دفتر امنیت و مصئونیت ملل متحد.

UNAMA: هئیت معاونت ملل متحد در افغانستان.

UNHCR: کمشنری عالی ملل متحد در امور مهاجرین.

USSOF: نیروهای عملیات های ویژه ایالات متحده امریکا.

UXO: مواد منفجر ناشده.

[3]. به گزارش گزارشگر ویژه در مورد قتل های فرا قضایی و خود سرانه، در فقره 3 صورت جلسه ی چهاردهمین جلسه شورای حقوق بشر مجمع عمومی سازمان ملل متحد مراجعه گردد. فلیپ آلسون. ضمیمه "مطالعه قتل های سازمان یافته" A/HRC/14/24/Add.6. 10 May 2010

میتودولوژی یا روشِ تهیه گزارش

یوناما تا حدی که امکان دارد با اجرای تحقیقات در ساحه رویدادها، با انجام مشوره با یک سلسله منابع متنوع و با توجه به انواع اطلاعاتی که با اطمینان و با اعتبار ارزیابی می گردد، گزارش ها در مورد تلفات افراد ملکی را تهیه می نماید. در زمان تحقیق و بررسی هر رویداد، یوناما نهایت تلاش های خود را بکار می برد تا اطلاعات بدست آمده را تا جایی که ممکن است با منابع متنوع بشمول "شواهد عینی، افراد آسیب دیده، فعالین نظامی (بشمول دولت افغانستان و نیروهای نظامی بین المللی)، مسئولین محلی در روستاها، ولسوالی ها و ولایات، رهبران مذهبی و اجتماعی و اطلاعات بدست آمده از طریق بازدید مستقیم، آزمایش فیزیکی اقلام و شواهد جمع آوری شده از محل حادثه، بازدید از شفاخانه و دیگر مراکز صحی، عکس ها و تصاویر ویدیویی، گزارش ریاست امنیت و مصئونیت ملل متحد و دیگر نمایندگی های آن، گفته های منابع دست دوم، گزارش رسانه ها و اطلاعات جمع آوری شده از سوی نهادهای غیر دولتی و طرف های سوم" را بررسی مجدد نموده و به اثبات برساند.
در جایی که ممکن باشد، تحقیقات بر اساس شهادت اولیه قربانیان، شاهدان صحنه و تحقیقات در محل صورت می گیرد. در بعضی موارد بخصوص جایی که به علت محدودیت های امنیتی دسترسی امکان ندارد، این گونه تحقیقات در ابتدا امکان پذیر نیست. در این گونه موارد، یوناما بر یک سلسله تکنیک ها برای جمع آوری اطلاعات بخصوص از طریق شبکه های معتبر و باز هم از طریق یک سلسله منابع متنوع که آن منابع معتبر ارزیابی گردیده، اتکاء می کند.

هرگاه اطلاعات مربوط به یک رویداد برای یوناما قناعت بخش نباشد، در آنصورت رویداد متذکره گزارش داده نمی شود. در بعضی موارد، تحقیقات قبل از نتیجه گیری میتواند چندین هفته را در بر گیرد. این مسئله بدین معناست که نتیجه گیری ها در یک گزارش در مورد تلفات ملکی ناشی از یک رویداد میتواند با کسب اطلاعات بیشتر و گنجانیدن آن در تحلیل ها دوباره بررسی گردیده و اصلاح گردد. هرگاه اطلاعات واضح و روشن نباشد، در آنصورت تا زمان کسب مدارک قناعت بخش نتیجه گیری صورت نمی گیرد و یا بدون نتیجه گیری قضیه بسته می گردد و نیز در گزارشی که از ارقام تلفات افراد ملکی تذکر به عمل می آید، قضایای بسته شده گنجانیده نمی شود.
در بعضی موارد وضعیت غیر متخاصم بودن قربانیان گزارش داده شده را نمی توان بطور قطعی مشخص ساخت و یا مورد اختلاف می باشد. در این گونه موارد، یوناما از معیار های قابل اعمال حقوق بشر دوستانه بین المللی استفاده نموده و طوری فرض نمی کند که مردانی که در سن جنگ قرار دارند ملکی اند یا جنگجو، بلکه این گونه ادعاها بر اساس واقعیت های موجود در مورد یک رویداد مشکوک ارزیابی می شوند. هرگاه وضعیت یک یا چند قربانی نامشخص باقی می ماند، در آنصورت مرگ آنها در شمار مجموع تلفات افراد ملکی گنجانیده نمی شود.

یوناما یک دیتابیس را در سال 2009 میلادی ایجاد نمود تا تحلیل ها و گزارش های خود در مورد محافظت از غیر نظامیان در درگیری های مسلحانه را تقویت کند. این داتابیس بخاطر تسهیل جمع آوری اطلاعات به شکل منظم، تحلیل و ارزیابی منسجم و مؤثر اطلاعات منجمله تفکیک اطلاعات بر اساس سن، جنس، مرتکبین حادثه، تاکتیک، نوع سلاح و دسته بندی های دیگر طراحی شده است.
یوناما نهایت تلاش می نماید تا حد امکان طرفِ مسئول یک حادثهٔ مشخص را معین نماید. هر چند به علت محدودیت های ناشی از محیط عملیات ها، مانند ماهیت مشترک بعضی از عملیات های نظامی و عدم توانایی منابع اولیه در بسیاری از رویدادها برای تشخیص دقیق یا تفکیک میان طرفهای مختلف نظامی و شورشیان یا زمانی که هیچ یک از طرف ها مسئولیت را به عهده نمی گیرند، در همچو موارد یوناما مسئولیت یک رویداد مشخص را به دسته بندی عمومی نیروهای طرفدار دولت و یا عناصر ضد دولتی نسبت میدهد. یوناما ادعا نمی کند که ارقام ارایه شده در این گزارش کامل می باشد؛ اما این احتمال وجود دارد که یوناما تلفات افراد ملکی را با توجه به محدودیت های مرتبط به محیط جنگی کمتر گزارش داده باشد.

مسئولیت های حقوقی طرف های درگیر در جنگ مسلحانه

یوناما بر این نظر است که جنگ افغانستان یک نبرد داخلی بوده که در آن دولت افغانستان و نیروهای امنیتی شان با حمایت نیروهای نظامی بین المللی (که در این گزارش و در داخل افغانستان به عنوان "نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان" به آن اشاره می شود) با گروه های مسلح غیر دولتی (که در این گزارش و در داخل افغانستان به عنوان "عناصر ضد دولتی" به آن اشاره می شود)، مصروف جنگ می باشد.

نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان

نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان یک اصطلاحی هست که به اعضای نیروهای مسلح یعنی اردوی ملی، نیروهای حمایتی بشمول نیروهای نظامی بین المللی(واحد های نظامی آیساف، نیروهای ویژه امریکائی در افغانستان، اعضائی ائتلاف عملیات تحکیم آزادی یا نیروهای عملیات های ویژه که خارج از این سلسله فرماندهی قرار می گیرد) و سایر نیروهای امنیتی افغان، گفته می شود. تمام اعضای نیروهای مسلح طرف های درگیر در منازعه، به استثنای کارمندان طبی و مذهبی جنگجو تلقی می گردند. نیروهای امنیتی افغان، مانند پولیس ملی، پولیس محلی، نیروهای ریاست امنیت ملی و پولیس سرحدی وضعیت ملکی بودن خود را زمانی که به شکل مستقیم در جنگ شرکت می نمایند، از دست داده و به حیث بخشی از نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان تلقی می گردند.

دسته بندی نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان ممکن است که گروپ های مسلح را که در منازعات مسلحانه دخیل هستند، نیز شامل گردد. بخصوص زمانی که همچون گروپ ها بخشی از نیروهای مسلح یک طرف درگیر در منازعه را بطور مؤثر تشکیل می دهد. بطور مثال، زمانی که اینها عملیات های امنیتی و ضد شورشی را در تحت فرماندهی غیر رسمی یک مقام دولتی؛ مانند، قومندان امنیه، افسران امنیت ملی یا ولسوال، انجام می دهد.

عناصر مخالف دولت

عناصر مخالف دولت یک اصطلاحی هست که به افراد و گروپ های مسلح غیر دولتی که در حال حاضر در جنگ ها دخیل بوده و در مخالفت با نیروهای حکومتی و بین المللی می جنگند، خطاب می گردد. اینها؛ نیروهای طالبان، و هم چنان افراد و گروپ های مسلح منسجم غیر دولتی را که بطور مستقیم در جنگ ها سهم می گیرند و به نام های مختلف مانند شبکه حقانی، حزب اسلامی گلبدین حکمتیار، جنبش ملی ازبکستان، اتحاد جهاد اسلامی، لشکر طیبه و جیش محمد یاد می شوند، شامل می گردد.

دسته بندی عناصر مخالف دولت، گروپ های مجرمین مسلح را شامل نمی گردد، مگر اینکه همچون گروپها بطور مستقیم طوری وا نمود کند که در منازعات مسلحانه از جانب یک طرف درگیر در جنگ دخیل می گردد.[4]

تمام طرفهای درگیر در منازعه یعنی نیروهای امنیتی افغان، نیروهای نظامی بین المللی و گروپ های مسلح غیر دولتی، بر اساس حقوق بین المللی، مسئولیت آشکار در قبال محافظت از افراد ملکی دارند.

الف) مکلفیت ها بر اساس حقوق بشر دوستانه بین المللی

افغانستان عضو کنوانسیونهای چهارگانه 1949 ژنو و عضو پروتکل الحاقی دوم 1977[5] می باشد که در آن به محافظت غیرنظامیان در درگیری های مسلحانه داخلی پرداخته شده است. این پروتکل حمله علیه افراد ملکی و حمله بر اهدافی که موجودیتش برای نجات جمعیت غیرنظامی ضروری است را منع می نماید.

ماده 3 مشترک در کنوانسیونهای چهارگانه 1949 ژنو، حداقل معیار هایی که طرف های درگیر بشمول دولت ها و طرفهای غیر دولتی درگیر در یک جنگ مسلحانه داخلی باید رعایت کنند را تعیین نموده است.

قواعد متعددی در کنوانسیونهای چهارگانه 1949 ژنو و پروتکل های الحاقی آن، بخشی از حقوق عرفی بین المللی را تشکیل میدهد[6]. مرتبط ترین اصولی که بر رفتار نیروهای مسلح افغان، نیروهای نظامی بین المللی و گروه های مسلح غیر دولتی به عنوان طرف های درگیر در جنگ داخلی افغانستان قابل اِعمال می باشد، به شرح ذیل می باشد:

- اصل تشخیص یا تفکیک: جمعیت غیر نظامی و همچنین افراد ملکی نباید مورد حمله قرار گیرند[7]. "(طرف های درگیر)... باید در تمام حالات جمعیت ملکی را از جنگجویان" و "اهداف ملکی را از اهداف نظامی" تشخیص داده و آنها را از هم تفکیک نمایند.[8]
- اصل تناسب: "آن حملهٔ که احتمال تلفات اتفاقی افراد ملکی، جراحت به غیرنظامیان، صدمه به اهداف ملکی و یا ترکیبی از آنها در آن وجود داشته باشد، که از منفعت محسوس و مستقیمی که از بُعد نظامی بدست می آید، فراتر رود، منع گردیده است"[9].

- **اصل احتیاط در حمله:** "...غیرنظامیان در برابر هر گونه خطر ناشی از عملیات های نظامی باید از مصئونیت همه جانبه برخوردار باشند[10]". در زمان انجام عملیات نظامی، باید مراقبت دائمی صورت گیرد تا جمعیت غیر نظامی و اهداف ملکی را تفکیک نمود" و از هر گونه احتیاط ممکن کار گرفته شود تا از "هر گونه تلفات اتفاقی افراد ملکی، جراحت به آنها و صدمه به اهداف غیر نظامی جلوگیری شده و یا به حداقل رسانده شود[11]".

همه کشور هایی که در تشکیل نیروهای نظامی بین المللی در افغانستان سهم دارند، بشمول قوت های آیساف، نیروهای ویژه امریکایی در افغانستان، اعضای ائتلاف عملیات تحکیم آزادی و نیرو های عملیات های ویژه که خارج از این سلسله فرماندهی قرار دارند، همه امضاء کنندگان کنوانسیونهای چهارگانه 1949 ژنو می باشند. هرچند تمام کشورهای کمک کننده نظامی،

---

[4]. این بخش "تعاریف" چارچوب حقوقی را تعقیب می کند که در منابع زیر آمده است: تعریف جنگجو، فصل‌های 4. 2 تا 4. 3. تنظیم شده در وزارت دفاع انگلستان؛ کتاب راهنما در مورد حقوق جنگ، انتشارات دانشگاه اکسفورد، اکسفورد 2004؛ و کمیته بین المللی صلیب سرخ، حقوق عرفی بشر دوستانه بین المللی، قاعد 3. تمام اعضای نیروهای مسلح یک طرف درگیر در جنگ به، استثنای کارمندان طبی و مذهبی، جنگجو تلقی می گردد.

[5]. افغانستان، پروتکل الحاقی دوم 1977 را به تاریخ 10 نومبر 2009 تصویب نمود که پروتکل موصوف به تاریخ 24 دسمبر 2009 نافذ گردید.

[6]. به کمیته بین المللی صلیب سرخ، حقوق عرفی بشر دوستانه بین المللی، نویسندگان، جان ماری هینکارتز و لویس دوسوالد بک (CU P/ICRC, Cambridge 2005) مطالعه کمیته بین المللی صلیب سرخ، مراجعه گردد.

[7]. پروتکل الحاقی 2، بند (2) ماده 13

[8]. پروتکل الحاقی 1، ماده 48. به بند (2) ماده 51 که در آن مقرر گردیده، افراد ملکی "نباید مورد هدف قرار گیرند" و به بند (2) ماده 52 که در آن گفته شده "حملات فقط باید مواضع نظامی را هدف قرار دهد" مراجعه شود.

[9]. پروتکل الحاقی 1، بند (ب) فقره (5) ماده 51. جهت اطلاعات بیشتر به ماده 57 در مورد احتیاط در حمله مراجعه کنید.

[10]. پروتکل الحاقی 2، بند (1) ماده 13

[11]. پروتکل الحاقی 1، بند های (الف) و (ii) فقره 2 و فقره (1) ماده 57.

امضاءکننده پروتکل الحاقی اول و پروتکل الحاقی دوم 1977 نیستند، اما تمام این نیروها به آن قواعد حقوقی مربوطه که بخشی از حقوق عرفی بین المللی را تشکیل میدهد، مقیّد می باشند.

ب) مکلفیت ها بر اساس قواعدِ بین المللی حقوق بشر

قواعدِ بین المللی حقوق بشر هم در زمان جنگ و هم در زمان صلح قابل اِعمال می باشد. قواعد بین المللی حقوق بشر همراه با حقوق بشر دوستانه بین المللی به شکل متمم و مکمل هم دیگر یکجا تطبیق می گردد.

افغانستان امضاء کننده ی چندین معاهده بین المللی حقوق بشر[12]، بشمول کنوانسیون بین المللی حقوق سیاسی و مدنی می باشد که این کنوانسیون، دولت افغانستان را متعهد می سازد تا حقوق بشری تمام شهروندان را در داخل سرحدات یا حوزه صلاحیت شان، تأمین نموده و از آن محافظت نماید.

در حالیکه طرفهای غیر دولتی در افغانستان، بشمول گروه های مسلح غیر دولتی، نمی توانند بصورت رسمی طرف معاهدات بین المللی حقوق بشر قرار بگیرند، اما طرفهای غیر دولتی که به شکل غیر رسمی بر بعضی ساحات کنترل دارند؛ مانند طالبان، به طور روزافزونی ملتزم به تعهدات بین المللی حقوق بشر پنداشته می شوند.[13]

قطع نامه 1325 شورای امنیت

همان طوریکه شورای امنیت ملل متحد در قطع نامه 1325 شان تأکید نموده است، اِعمال کامل نورم های مربوط به حقوق بشر دوستانه بین المللی و حقوق بشر در مورد زنان و دختران و مد نظر گرفتن اقدامات ویژه برای محافظت زنان و دختران از خشونت های مبتنی بر جنسیت در جریان منازعه مسلحانه برای تمام دولت ها، حیاتی و ضروری پنداشته می شود.[14]

ج) مکلفیت ها بر اساس حقوق جزای بین المللی

افغانستان در سال 2003 میلادی اساسنامه روم را در مورد محکمه جنایی بین المللی امضا و قبول نمود. بنابر این، افغانستان در برابر تحقیق و پیگیری جرایم بین المللی یعنی جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و کشتار جمعی در حوزه قضایی دادگاه شان مسئولیت اولیه دارد. در صورتی که افغانستان نمی تواند و یا نمی خواهد این کار را انجام دهد، در آنصورت محکمه جزای بین المللی با توجه به صلاحیت شان می تواند بر قضیه که در افغانستان صورت گرفته، رسیدگی نماید.

کشور هایی که نیروهای نظامی شان در تشکیل نیروهای نظامی بین المللی درگیر در جنگ افغانستان حضور دارد، نیز مسئولیت دارند تا جرایم بین المللی مورد ادعا که ممکن توسط اتباع شان در افغانستان صورت گرفته را تحقیق و مورد پیگیری قرار دهند.[15]

به طور مشخص دولت ها مسئولیت دارند تا نقض فقره های (آی) و (ای) بند (2) ماده 8 اساسنامه روم در مورد محکمه جزای بین المللی را تحقیق و مورد تعقیب عدلی قراردهد. زیرا، در فقره های ماده متذکره چنین تصریح گردیده: "حملاتی که به شکل عمدی علیه جمعیت غیر نظامی هدایت داده می شود و یا اگر این گونه حملات علیه افراد ملکی که مستقیماً در خشونت ها سهم ندارند؛ صورت می گیرد"، جنایت جنگی در جنگ داخلی به شمار می آید.

د) مکلفیت ها بر اساس قوانین داخلی

اعضای نیروهای مخالف دولت بر اساس قوانین جزای افغانستان می تواند مورد پیگرد قانونی قرار بگیرد. اعضای نیروهای نظامی دولت افغانستان و نیروهای بین المللی نیز در برابر نقض قوانین ملی کشور متبوع شان مسئول شناخته می شوند.

---

[12]. افغانستان عضو کنوانسیون ها و معاهدات ذیل می باشد: میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی، مصوب 24 اپریل 1983. میثاق بین المللی حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، مصوب 24 اپریل 1983. میثاق بین المللی محوی هرگونه تبعیض نژادی مصوب 5 اگست 1983. کنوانسیون منع هر گونه خشونت علیه زنان، مصوب 5 مارچ 1983. کنوانسیون منع شکنجه و انواع رفتار ظالمانه، برخورد یا مجازات تحقیر آمیز یا غیر انسانی، مصوب 26 جون 1987. کنوانسیون حقوق کودکان مصوب 27 اپریل 1994. پرتوکول اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد فروش، هرزه گری و هرزه نگاری کودکان، مصوب 19 اکتوبر 2002. و همچنین پرتوکول اختیاری بر کنوانسیون حقوق کودک در مورد مشارکت کودک در درگیری های نظامی مصوب 24 سپتمبر 2003. منبع: http://www.aihrc.org.af/English/Eng_pages/X_pages/conventions_af_z_party.html .

[13]. در ادامه به گزارش هیئت از کارشناسان سرمنشی عمومی ملل متحد در بخش پاسخ دهی در سریلانکا، مورخ 31 مارچ 2011، پراگراف 188 مراجعه کنید. همچنین به گزارش کمیسیون بین المللی بازرسی سرمنشی عمومی ملل متحد در مورد تحقیق بر تمامِ تخلفات از مقررات حقوق بشر دوستانه بین المللی در جمهوری عربی لیبیا تحت عنوان A/HRC/17/44 مورخ 1 جون 2011 مراجعه کنید.

[14]. قطع نامه 1325(2000) شورای امنیت. هم چنان به قطع نامه های 1820(2008) ، 1888(2009)، 1889(2009) و 1960(2010) شورای امنیت مراجعه گردد.

[15]. صرف نظر از اینکه دولت ها اساسنامه روم را امضا کرده باشند یا خیر، آنها بر اساس حقوق عرفی مسئولیت دارند تا نقض جدی حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین المللی را وقتیکه در قلمرو افغانستان که عضو محکمه بین المللی عدالت می باشد، فعالیت می کنند، مورد تحقیق قرار دهند. همانطو رکه بر اساس حقوق جزای بین المللی چنین مسئولیت دارند.

تعریف غیرنظامیان و جنگجویان محافظت شده

یوناما افراد ملکی را طوری تعریف می نماید که در حقوق بین المللی قبول شده باشد. سایرین و طرف های درگیر در منازعهٔ افغانستان اصطلاح فرد ملکی را طوری تعریف می نمایند که در بخشهای بعدی مطرح خواهد گردید.

یوناما

یوناما تعریف "ملکی" را طوری بکار می برد که بتواند معیار های حقوق بشردوستانه بین المللی را منعکس نماید. هدف از کلمه "ملکی" کسانی می باشند که جنگجو (اعضای نیروهای نظامی یا شبه نظامی) یا عضو گروه های مسلح سازمان یافتهٔ یکی از جناح های درگیر نبوده و در ضمن به اشخاصِ خطاب می گردد که بخشی از شورشیان عمومی نباشند[16]. یک فرد ملکی موقف ملکی بودن خود را زمانی از دست می دهد که بصورت مستقیم در خشونت ها سهم می گیرد.

حقوق بشر دوستانه بین المللی برای طرف های درگیر در یک جنگ ضرورت می پندارد تا در زمان اجرای عملیات های نظامی شان میان افراد غیرنظامی و جنگجویان تفکیک قایل شوند. کسانی که دیگر شورشی نبوده و یا دیگر در جنگ ها سهم نمی گیرند، محفوظ تلقی گردیده و نباید هدف قرار گیرند. اما در کنار افراد ملکی؛ جنگجویانی که دیگر از میدان جنگ خارج شده (مانند زخمی، بیمار، آنهای که کشتی شان می شکند و درحال غرق شدن است و بازداشت یا تسلیم شده اند) یا کسانی که مربوط به پرسونل مذهبی یا کارمندان صحی نیروهای مسلح اند؛ همهٔ این ها تحت اصول حقوق بشر دوستانه بین المللی در برابر حمله یا هدف قرار گرفتن مصئون می باشند.

اما در ارتباط جنگ افغانستان؛ این گزارش حملاتی را علیه گروه های مختلف مردمی به ثبت رسانیده که شامل کارمندان ملکی، معلمین، کارمندان مراکز صحی و کسانی که در ارایه خدمات عامه سهم دارند، شخصیت های سیاسی و کارمندان اداری، کارمندان مؤسسات غیر دولتی، پرسونل پولیس ملکی که وظیفه نظامی ندارند و در عملیات های مبارزه با شورشیان سهم ندارند، می گردد[17].

---

[16]. پراگراف 1 ماده 50 پروتکل الحاقی 1 را با کنوانسیون های ژنو مقایسه کنید. همچنین به " رهنمود های تفسیری در مورد مفهوم مشارکت مستقیم در خشونت ها بر اساس حقوق بشر دوستانه بین المللی " نوشته نیلز میلزر، تاریخ 1 جولای 2009 مراجعه کنید.

[17]. یوناما آنعده از افسران پولیس را به عنوان جنگجو می پذیرند که بصورت مستقیم در جنگ ها سهم دارند. این مسئله شامل حال پولیس ملی افغان، پولیس محلی و پولیس سرحدی که بصورت منظم عملیات های ضد شورشگری را انجام میدهند نیز می گردد، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. یوناما به عنوان غیر نظامی، آنعده از پولیس ترافیک افغان و دیگر افسران پولیس را در نظر دارد که فقط نقش تأمین نظم عامه ملکی را داشته باشند.

خلاصهٔ گزارش

انفجار در میدان شهر مرکز ولایت وردک صورت گرفت. آن درحقیقت یک عمل غیر انسانی بود؛ زیرا، تعداد زیادی از افراد ملکی بی گناه در اثر این انفجار کشته و یا مجروح گردیدند. در این حادثه مجموع تلفات به 171 تن می رسید که از میان آنها چهار نفر شان کشته شده بودند. در نتیجه تعداد زیادی از خانه های افراد ملکی و هم چنان ساختمان های دولتی یا کاملاً تخریب شده و یا هم به شدت خساره مند گردیده بود. زمانی که من صدای آن انفجار قوی را شنیدم، با اعضای خانواده ام در خانه نشسته بودیم. تأثیر انفجار به حدِّ قوی بود که من ابتدا فکر کردم انفجار در داخل خانه ام اتفاق افتاده است. من سراسیمه شده بودم و با تمام اعضای خانواده به شدت ترسیده بودیم. در حقیقت آن روز، ترسناکترین روز زندگی من بود. پدرم، سه تا برادرم و خواهرم در اثر انفجار مجروح گردیدند. وقتی من دیدم که بعضی از اعضای خانواده ام خون آلود گردیده و مجروح شده اند، کنترلم را از دست داده و به گریه کردن شروع کردم. من فکر می کردم که تمام اعضای خانواده ام را از دست داده ام. اما وقتی که فهمیدم آنها زنده هستند، سپاسگزاری نمودم.

صحبت های یک فرد ملکیِ که به تعداد 5 نفر از اقاربش توسط انفجار مواد انفجاری تعبیه شده در میدان شهر ولایت وردک به تاریخ 23 نومبر سال 2012، مجروح گردیده بود.[18] در اثر این حادثه چهار فرد ملکی کشته شده و 167 فرد ملکی مجروح گردید.[19]

در سال 2012، منازعات مسلحانه در افغانستان، تلفات افراد ملکی را به شکل وحشتناک به دنبال داشته است. بر اساس یافته های دفتر هیئت معاونت ملل متحد(یوناما) در افغانستان در سال 2012، به تعداد 2754 فرد ملکی به قتل رسیده و به تعداد 4805 فرد ملکی مجروح گردیده است، که در نتیجه مجموع تلفات افراد ملکی در سال 2012 به 7559 تن می رسد. هرچند رقم کشته شدگان در مقایسه با سال 2011، در حدود 12 درصد کاهش را نشان داده و افزایش نسبی در رقم مجروحین صورت گرفته است[20]. ولی یوناما هم چنان تداوم تلفات افراد ملکی در اثر منازعات مسلحانه در افغانستان را برجسته ساخته، که این موضوع نیازمند اینست تا تمام طرف های درگیر جهت کاهش تلفات افراد ملکی و تقویت محافظت از افراد ملکی باید تعهدات بیشتر و تلاش های دو برابری را در سال 2013 به عهده گرفته و انجام دهد.

عناصر مخالف دولت، در سراسر کشور افراد ملکی را بطور فزاینده‌ای مورد هدف قرار داده و حملاتی را بدون توجه به زندگی انسان ها انجام داده اند. بر اساس یافته های یوناما، مجموع تلفاتی که به نیروهای مخالف دولت نسبت داده می شود، به 6131 تن (به شمول 2179 قتل و 3952 زخمی) می رسد که در مقایسه با سال 2011، در حدود 9 درصد افزایش را نشان داده و در حدود 81 درصدِ تمام تلفات افراد ملکی در سال 2012 را تشکیل می دهد.[21]

---

[18]. طالبان مسئولیت حمله را در وب سایت شان به عهده گرفته و به رسانه ها امیل فرستاده بود که این حمله را توسط موتری که مواد انفجاری خیلی زیاد در آن جاسازی شده بود، انجام داده و دلیلش اینست تا بخاطر اعدام های محبوسین جنگی که در پل چرخی کابل به تاریخ 20 و 21 نومبر توسط حکومت افغانستان صورت گرفته بود، انتقام بگیرد. http://shahamat-english.com/index.php?option=com_content&view=article&id=20416:quick-glance-at-2012-jihadi-achievements-part-1&catid=3:articles&Itemid=5.

[19]. مصاحبه یوناما در میدان شهر مرکز ولایت وردک، 19 دسمبر 2012.

[20]. بر اساس یافته های یوناما، در سال 2011 مجموع تلفات افراد ملکی به 7837 تن می رسید که از رقم متذکره به تعداد 3131 تنِ شان کشته شده و به تعداد 4706 تن دیگر مجروح گردیده بود. به گزارش سالانه یوناما در مورد محافظت از افراد ملکی در آدرس ذیل مراجعه گردد: http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/Documents/UNAMA%20POC%202011%20Report_Final_Feb%202012.pdf
مجموع تلفات افراد ملکی که در حدود 7559 تن در سال 2012 می باشد، در مقایسه سال 2011، 4 درصد کاهش را نشان می دهد.

[21]. بر اساس یافته های یوناما، در سال 2011، به تعداد 2208 فرد ملکی کشته شده و به تعداد 3428 فرد ملکی مجروح که در مجموع 5636 تن را شامل می گردید، به نیروهای مخالف دولت نسبت داده شده بود. به گزارش سالانه یوناما در مورد محافظت از افراد ملکی در آدرس ذیل مراجعه گردد: http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/Documents/UNAMA%20POC%202011%20Report_Final_Feb%202012.pdf.

از 6131 فرد ملکی که توسط عناصر مخالف دولت کشته و مجروح گردیدند، یوناما در حدود 108 در صد افزایش را در قتل های هدفمند به ثبت رسانیده[22] و هم چنان این نهاد افزایش را در کشته شدگان و مجروحین ناشی از استفادهٔ خالی از تبعیضی مواد انفجاری تعبیه شده به ثبت رسانیده است. بطور مشخص مواد انفجاری تعبیه شدهٔ بشقاب مانندی که استفاده از آن غیر قانونی بوده و به مجرد تماس با قربانی منفجر می گردد. این مواد انفجاریی بی نهایت مضر توسط هر فردی بشمول اطفال به محض پا گذاشتن بر آن یا عبور هر نوع وسایل نقلیه از بالای آن بشمول موتر های اتوبوس افراد ملکی، منفجر می گردد. هم چنان تهدید، ارعاب و آزار و اذیت مردان، زنان و اطفال و مداخله در حق تعلیم، صحت و آزادی رفت و آمد آنها توسط عناصر مخالف دولت در ساحات جنگی افزایش نیز یافته است.

هشت درصدِ تمام تلفات افراد ملکی یعنی 587 مورد تلفات افراد ملکی (316 کشته و 273 مجروح) در سال 2012 به نیروهای دولت و طرفداران بین المللی شان نسبت داده می شود. رقم متذکره نشان دهنده 46 در صد کاهش در مقایسه سال 2011 می باشد. البته در مقایسه سال 2011، در حدود 39 درصد در کشته شدگان و 53 درصد در مجروحین کاهش رخ داده است.[23] تلفات افراد ملکی در اثر حملات نیروهای امنیتی افغان در سال 2012، با 33 فرد کشته شده و 63 فرد مجروح، مشابه با ارقامی است که در سال 2011 به ثبت رسیده بود. اکثریت این تلفات در جریان جنگ های زمینی اتفاق افتاده است.[24]

تلفات 841 فرد ملکی(259 فرد کشته شده و 582 فرد مجروح) به هیچ یکی از طرف های درگیر بطور مشخص قابل نسبت نیست. زیرا، آنها در حادثات ناشی از فیر های متقابل در جریان جنگ های زمینی، گلوله باری های که از آن سوی سرحد صورت گرفته و یا در اثر مواد منفجر شوندهٔ که از دوران جنگ باقی مانده بود، کشته و یا مجروح گردیده است.

یافته های یوناما نشان می دهد که آمار کشته شدگان و مجروحین در اوایل سال 2012، کاهش نموده و تعداد تلفات افراد ملکی در شش ماه دوم روند صعودی داشته است. عوامل کلیدی که در کاهش تلفات افراد ملکی در 5 ماه اول سال 2012 نقش داشت، فرا رسیدن یک زمستان ناگوارِ و بی موقع بود که رفت و آمد شورشیان را مانع می شد و نیز بر عملیات ها علیه عناصر مخالف دولت تأثیر گذاشته بود. هرچند در شش ماه دوم سال، یوناما 13 درصد افزایش در تلفات افراد ملکی را در مقایسه عین مدت سال 2011، به ثبت رسانیده است. تلفات افراد ملکی در نتیجه انفجار مواد انفجاری تعبیه شده در ساحات ملکی و اماکن عمومی در حدود 17 در صد افزایش یافته و هم چنان شدت جنگ ها در بعضی از بخش های کشور نیز روند صعودی داشته است.[25]

---

[22]. رقم متذکره تمام کشته شدگان و مجروحین ناشی از یک حادثهٔ قتل هدفمند را تشکیل می دهد. بطور مثال، انفجاری مواد انفجاری علیه یک فردی که منجر به تلفات چندین فرد گردیده است.

[23]. در سال 2011، بر اساس یافته های یوناما در حدود 517 فرد ملکی توسط نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان به قتل رسیده و 571 فرد ملکی مجروح گردیده بود که مجموع تلفات به 1088 تن می رسید. به گزارش سالانه یوناما در مورد محافظت از افراد ملکی در آدرس ذیل مراجعه گردد:
http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/Documents/UNAMA%20POC%202011%20Report_Final_Feb%202012.pdf

[24]. تعداد تلفات افراد ملکی که به نیروهای امنیتی افغان نسبت داده می شود، شامل ارقام مجموعی تلفات ناشی از نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان گردیده است.

[25].

عناصر مخالف دولت و محافظت از افراد ملکی

در جریان سال 2012، یوناما استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده را که هیچ گونه تفکیکی بین افراد ملکی و نظامی قایل نیست را در یک سطح بالا به شکل دوام دار به ثبت رسانیده است. بخصوص مواد انفجاری تعبیه شدهٔ بشقاب مانند و سایر تاکتیک های که مواد انفجاری در آن استفاده می شود. مانند، حملات انتحاری و انتحاری پیچیده در ساحاتی که تعداد زیادی از افراد ملکی بوضوع مشاهده می شود.

در سال 2012، مواد انفجاری تعبیه شده به عنوان یکی از بزرگترین تهدیدها علیه افراد ملکی محسوب گردیده است. که در مجموع توسط 782 حادثه جداگانه به تعداد 868 فرد ملکی به قتل رسیده و 1663 فرد ملکی مجروح گردیده است. رقم متذکره در مقایسه سال 2011، در حدود 3 درصد افزایش را نشان می دهد.[26] در حادثات مربوط به مواد انفجاری تعبیه شده حتا در جاهاییکه اهداف مورد نظر ظاهراً اهداف نظامی بوده، آنهای که مسئول جاسازی و انفجار مواد انفجاری بوده اند، اقدامات احتیاطی را برای محافظت از افراد ملکی روی دست گرفته نتوانسته اند. هم چنان آنها نتوانسته اند که تفکیک بین اهداف نظامی و ملکی قایل شوند و یا هم هیچ اعتنائی به حضور فعالیت های افراد ملکی نداشته اند. که این موضوع بر اساس حقوق بشر دوستانه بین المللی نقض مسئولیت های آنها تلقی می گردد.

یوناما خاطر نشان می سازد که حدود تأثیرات مواد انفجاری تعبیه شده بر زندگی اطفال، زنان و مردان افغان بیشتر از آن چیزی هست که فوراً فقط حق زندگی آنها را تهدید می نماید. مواد انفجاری متروک[27] یعنی مواد که جاسازی شده اما انفجار نشده در محیط یک جامعه، دسترسی به صحت و آموزش را مانع گردیده و یک فضایی از نا امنی را ایجاد می نماید. طوریکه افراد ملکی در تحت تهدید دائمی کشته شدن، معیوب شدن، جراحات شدید و نابودی ملکیت شان زندگی می نمایند. افراد در سطح ولسوالی های که مواد انفجاری در آنجا در یک سطح خیلی بالا جاسازی می شود، زمانی که موقعیت مواد

[26]. در سال 2011، بر اساس یافته های یوناما، در اثر مواد انفجاری تعبیه شده به تعداد 949 فرد ملکی کشته شده و 1511 فرد ملکی مجروح گردیده بود. در نتیجه مجموع تلفات ناشی از انفجار مواد متذکره به 2460 تن می رسید. به گزارش سالانه 2011 یوناما در مورد محافظت از افراد ملکی در آدرس ذیل مراجعه گردد:
http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/Documents/UNAMA%20POC%202011%20Report_Final_Feb%202012.pdf

[27]. مواد انفجاری جاسازی شده: مواد انفجاری بشقاب مانند، سیم کشی شده و مواد انفجاری که از راه دور کنترل می شود(که ممکن فعال شده باشد یا خیر) را شامل می گردد. مواد انفجاری متروک، به مواد انفجاری گفته می شود که در جریان جنگ های قبلی جاسازی شده که ممکن هنوز فعال باشد یا خیر. بطور مثال، تاریخ باتری برای ماشه کردن دستگاه ممکن انقضا شده باشد یا اینکه آن دستگاه فعال نشده باشد. هرچند اکتشاف مواد انفجاری، از بین بردن و خنثی سازی آن توسط آیساف و نیروهای امنیتی افغان در جریان سال 2012 دوام داشته است. اما، منابع قابل دست رس برای از بین بردن آنها فقط بخشی از نیازمندی ها را مرفوع می کند.

انفجاری را به نیروهای امنیتی افغان گزارش داده و یا در جستجوی آن بوده است، به عکس العمل شدید از سوی عناصر مخالف دولت مواجه می گردد.
بر اساس یافته های یوناما در حدود 698 فرد ملکی توسط قتل های هدفمند به قتل رسیده و 379 فرد ملکی توسط تاکتیک متذکره مجروح گردیده است که مجموع تلفات به 1077 تن می رسد.[28] که در مقایسه سال 2011، در حدود 108 درصد افزایش را نشان می دهد. اکثریت این حادثات ناشی از هدف قرار دادن عمدی افراد ملکی که احساس می گردد با حکومت همکار می باشند، بشمول مقامات دولتی، رهبران مذهبی، بزرگان قومی، افسران پولیسی که خارج از محل خدمت شان می باشند و اشخاصی که پروسه صلح را حمایت می کنند، می باشد. از مجموع 1077 تلفات، کشتن و مجروح نمودن کارمندان ملکی دولت به شکل هدفمند و سازمان یافته در حدود 700 درصد افزایش یافته است. بطور مشخص قتل های هدفمند زنان توسط عناصر مخالف دولت خیلی آزار دهنده است، مثلاً، قتل دو تا رئیس امور زنان ولایت لغمان که در ماه اگست و دسمبر سال 2012، توسط عناصر مخالف دولت به قتل رسیدند.
یوناما دوام دار حادثات قتل، قطع عضو، لت و کوب و سایر نقض های حقوق بشری را به تعقیب یک فرایند قضایی توسط عناصر مخالف دولت به ثبت رسانیده است. این فرایند غالباً متهمین را محکمه نموده و مجازات می نمایند. مجازات معمولاً از طریق اعدام افرادی که متهم به جاسوسی برای دولت و یا هم به سایر جرایم می باشد، اجرا می گردد. به اساس یافته های یوناما به تعداد 33 فرد ملکی در 17 حادثه جداگانهٔ که به تعقیب استماع دادرسی یا صدور حکم توسط عناصر مخالف دولت، مجازات اجرا می گردید، به قتل رسیده است. این روند در حقیقت نقض حقوق بشر دوستانه بین المللی می باشد.[29]

یوناما در حدود 121 حادثه را از نوع تهدید، ارعاب و آزار و اذیت افراد ملکی بشمول حمله به خانه های مردم و سوختاندن آن را توسط عناصر مخالف دولت، تأیید می نماید. که این رقم در مقایسه سال 2011، در حدود 17 درصد افزایش را نشان می دهد. یوناما این را نیز خاطر نشان می سازد که این نوع حادثات احتمالاً بطور کامل گزارش داده نشده است. زیرا، شدت نا امنی و عدم دسترسی به ساحات دور دست و محدودیت های فراروی این ساحات باعث گردیده که حادثات به شکل کامل گزارش داده نشود.[30]

اعلامیه های عمومی طالبان در مورد تلفات افراد ملکی

در سال 2012، طالبان در حدود 53 اعلامیه عمومی منتشر نموده است. از رقم متذکره 25 تای آن موضوعات مرتبط به تلفات افراد ملکی و محافظت حقوق بشر را به بحث گرفته بود.[31] در این اعلامیه ها از تعهد عمومی برای محافظت از افراد ملکی صحبت شده بود و ادعا شده بود که حد اکثر تلفات افراد ملکی در افغانستان در نتیجه اَعمال غیر قانونی و عملیات های نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان صورت گرفته است.[32]

هرچند طالبان چنین اعلامیه های را صادر نموده، ولی درعین زمان، از طریق رسانه ها مسئولیت حملات انتحاری، حملات انتحاری پیچیده، قتل های هدفمند و سازمان یافته و حادثات مواد انفجاری را که منجر به قتل و جرح افراد ملکی گردیده بود، نیز به عهده گرفته است.[33] در این اعلامیه ها، طالبان معمولاً هدف مورد نظر حمله را مشخص نموده بود و بعضاً ادعا نموده بود که در این حمله هدف افراد ملکی، با توجه به تعریف خودشان از افراد ملکی، نبوده و تعداد تلفاتی را لیست نموده بود که ادعا داشتند اتفاق افتاده و نیز بعضی موقع، تذکر داده بود که اقدامات مشخصی مد نظر گرفته شده بود تا افراد ملکی محافظت

---

[28]. رقم متذکره تمام کشته شدگان و مجروحین ناشی از یک حادثه قتل هدفمند را شامل می گردد. بطور مثال، انفجار مواد انفجاری علیه یک فرد که منجر به تعداد زیادی از تلفات افراد ملکی می گردد.

[29]. ماده سوم مشترک در کنوانسیون های ژنو که مسئولیت های تمام طرفهای درگیر (بشمول طالبان) را در منازعات مسلحانه معرفی می نماید، اصدار حکم مجازات و اعدام افراد ملکی را در هر زمان و مکان منع می نماید. هم چنان، بر اساس ماده سوم مشترک در کنوانیسون ژنو، این نوع دادرسی ممکن از جمله جرایم جنگی محسوب گردد.

[30]. در جریان سال 2012، در هنگام مصاحبه های که یوناما با بعضی از افراد در خارج از ولسوالی های خود شان انجام داده است، افراد متذکره بطور مکرر سوءِ رفتار ها و تهدید ها را از سوی عناصر مخالف دولت گزارش داده است.

[31]. در سال 2011، طالبان در حدود 57 اعلامیه عمومی منتشر نموده بود و تعداد زیادی از آنها بر به عهده گرفتن مسئولیت حادثات پرداخته بود یا اینکه تهدید بر انجام کارهای مشخص نموده و هم چنان به گزارش و اعلامیه های یوناما در مورد محافظت از افراد ملکی پاسخ داده بود. به اعلامیه های عمومی طالبان در مورد تلفات افراد ملکی، در صفحه 12 گزارش سالانه 2011 یوناما در مورد محافظت از افراد ملکی در منازعات مسلحانه مراجعه گردد.

[32]. بطور مثال، یک اعلامیه طالبان به تاریخ 16 ماه اگست به مناسبت عید الفطر منتشر گردید. که در اعلامیه متذکره اظهار شده بود که محافظت از افراد ملکی مسئولیت دینی شان می باشد.

[33]. در سال 2012، یوناما 46 حادثه جداگانهٔ را به ثبت رسانیده است که طالبان به شکل عمومی مسئولیت آنها را به عهده گرفته بود. حادثات متذکره، در مجموع تلفاتِ 513 فرد ملکی را به دنبال داشته است. این حادثات شامل 15 قتل هدفمند، 12 حمله انتحاری و پیچیده، 9 حادثه مواد انفجاری تعبیه شده و 7 رویداد جنگ زمینی را شامل می گردد.

گردد.[34] بعضی از اعلامیه ها استفاده طالبان از مواد انفجاری تعبیه شدهٔ که بشقاب مانند هست و با فشار قربانی منجر می گردد را انکار نموده بود.
یوناما یک تغییر ماهرانهٔ را در روش طالبان در مورد حملات علیه مقامات دولتی در شش ماه دوم سال (با تأکید بر حمله علیه اهداف نظامی و تقویت حمله از داخل صفوف نیروهای امنیتی)، مشاهده کرده است.[35] این تغییرِ ظاهری در روش حملات ممکن آگاهی آشکار رهبری طالبان را منعکس نماید، تا از این طریق نگرانی عمومی را در مورد محافظت از افراد ملکی بیان دارد و نیز اهداف سیاسی بزرگتری را در ارتباط پروسه صلح دنبال نموده تا "قلب و ذهن" افغان ها را از خود نمایند.
هرچند از آن اعلامیه های که از اعضای طالبان می خواهد تا افراد ملکی را محافظت کند، استقبال می شود. اما، حقیقیت اینست که هنوز وضعیت در ساحات به شکل عملی تغییر نکرده است. طالبان به حملات مستقیم شان علیه افراد ملکی بخصوص از طریق قتل های هدفمند و تداوم استفاده از مواد انفجاری تعبیه شدهٔ که تفکیک بین ملکی و نظامی قایل نیست، بشمول مواد انفجاری تعبیه شدهٔ بشقاب مانندی که با تماس قربانی منفجر می گردد، ادامه داده است.
یوناما، از رهبری طالبان می خواهد تا به مسئولیت های شان بر اساس حقوق بشر دوستانه بین المللی عمل نموده و بر افراد ملکی حمله نکنند، تعهدات عمومی شان را در مورد محافظت از افراد ملکی در میان تمام جنگجویان شان به طور موثر اجرا نموده، تعریف فرد ملکی را طوری اصلاح نماید که مطابق و سازگار با حقوق بشر دوستانه بین المللی باشد و نیز استفاده از مواد انفجاری تعبیه شدهٔ بشقاب مانند و سایر مواد انفجاری که بین افراد ملکی و نظامی تفکیک قایل نیست را متوقف نماید.

ذهنیت مردم: مناطقی که به شکل غیر رسمی تحت کنترل عناصر مخالف دولت می باشد

هرچند تلفات افراد ملکی و خشونت های ناشی از منازعات مسلحانه بین نیروها دولتی/همکاران بین المللی شان و عناصر مخالف دولت نسبتاً در سال 2012، کاهش یافته است.[36] این کاهش در حقیقت باعث تقویت حضور حکومت در بعضی مناطق یا بهبود محافظت از افراد ملکی نشده است. در سراسر سال 2012، مردمان آسیب دیده به یوناما گزارش داده است که عناصر مخالف دولت بخاطر حضور اندکی نیروهای امنیتی افغان و عدم توانائی حکومت در کنترل بعضی ساحات؛ بطور فزاینده بعضی ساحات را کنترل نموده و وظایف امنیتی و حکومتی را انجام می دهد. تحقیقات یوناما در ولسوالی های متعدد نشان می دهد که در ساحاتی که به شکل محدود توسط نیروهای دولتی کنترل می شود و یا در مناطقی که قسمتاً توسط عناصر مخالف دولت کنترل می گردد، نقض حقوق بشر شایع می باشد.[37]
در دیگر مناطق، حضور دولت و نیروهای امنیتی محافظت از غیر نظامیان را برقرار نمود.

نیروهای طرفدار دولت و محافظت از افراد ملکی
در سال 2012، نیروهای دولتی با همکاران بین المللی شان که شامل نیروهای امنیتی افغان و نیروهای نظامی بین المللی می شوند، معیار های را بخاطر کاهش تلفات افراد ملکی مد نظر گرفته است. در سال 2012، یوناما یک کاهش عمدهٔ را در کشته شدگان و مجروحین ناشی از عملیات های نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان بشمول حملات هوائی، عملیات های تجسسی، جنگ های زمینی و عکس العمل تدریجی نیروها در مقابل یک پدیده مظنون، به ثبت رسانیده است.
بین اول جنوری تا سی و یکم دسمبر سال 2012، یوناما 578 مورد تلفات افراد ملکی را ثبت نمود (به شمول 316 کشته و 271 مجروح)که به نیروهای طرفدار دولت منتسب شد. رقم متذکره در حدود 46 درصد کاهش را در مقایسه سال 2011، نشان می دهد.[38] یوناما 8 درصد از مجموع تلفات افراد ملکی را به نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان نسبت می دهد.

---

[34]. در یک اعلامیهٔ که به تاریخ 27 ما جون سال 2012، منتشر شده بود، طالبان ادعا نموده بود که حمله کننده گان تا حد توان تلاش نموده بود که افراد ملکی را محافظت نماید، طوریکه به افراد ملکی هدایت داده بود تا به داخل یک اتاق رفته و منتظر بماند تا جنگ ختم گردد. این اعلامیه به تعقیب یک حمله انتحاری پیچیده در هوتل سپوژمی در ساحه قرغه ولایت کابل منتشر گردید. که در حمله متذکره به تاریخ 21 جون 2012، تعداد زیادی از افراد ملکی به قتل رسیده و یا مجروح گردیده بود.
[35]. بطور مثال، "پیام تبریک بادی محترم امیر المؤمنین به مناسبت فرا رسیدن عید الاضحی"، 24 اکتوبر سال 2012. به آدرس ذیل مراجعه گردد: http://shahamat-english.com/.

[36]. دفتر مرکزی آیساف، معلومات ماهانه آیساف، رویداد ها تا ماه نومبر، منتشره 3 دسمبر سال 2012.
[37]. به گزارش شش ماهه 2012 یوناما در مورد محافظت از افراد ملکی مراجعه گردد.
http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/Documents/UNAMA%20POC%202011%20Report_Final_Feb%202012.pdf.
[38]. در سال 2011، بر اساس یافته های یوناما در حدود 517 فرد ملکی به قتل رسیده و 571 فرد ملکی مجروح گردیده بود. مجموع کشته ها و مجروحین به 1088 تن می رسید. به گزارش سالانه 2011 یوناما در مورد محافظت از افراد ملکی مراجعه گردد.

بیشترین بخش تلفاتی که به نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان نسبت داده می شود، توسط حمله هوائی توسط نیروهای نظامی بین المللی صورت گرفته است. بر اساس یافته های یوناما 204 مورد تلفات افراد ملکی (به شمول 126 کشته و 78 زخمی) ناشی از عملیات‌های هوایی نیروهای بین المللی بود[39] که در مقایسه سال 2011، در حدود 42 درصد در تلفات ناشی از همچون عملیات ها،کاهش رخ داده است. حملات هوائی باعث 27 درصدِ تمام کشته شدگان منسوب به نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان گردیده است. و نیز حملات متذکره 3 درصدِ تمام تلفات افراد ملکی را تشکیل می دهد. از 126 فرد ملکی کشته شده، 51 تن آن اطفال می باشد.

یک سلسله حملات شدیدی هوائی به تاریخ 16 سپتمبر در ولسوالی الینگار ولایت لغمان این را ثابت کرد که هنوز ضرورت مبرم و اساسی برای بازنگری دوام دارِ معیارهای حملات در عملیات های هوائی تهاجمی وجود دارد.[40] بر اساس گفته های آیساف، هرچند که حمله هوائی بخاطر هدف قرار دادن یک گروپ از شورشیان در چندین سطوح مختلف از آیساف گرفته تا سلسله فرماندهی نیروهای امنیتی افغان، در مراتب اولیه تصویب شده بود اما فقط افراد ملکی آسیب دیدند که هشت فرد ملکی که اصلاً زنان و اطفال را تشکیل میدادند، کشته شده و 8 دختر و زن مجروح گردیدند.[41] موافقت قبلی حمله هوائی که یک گروپ از زنان و اطفال را اشتباهاً جنگجویان شورشی(هدف مشروع) تصور نموده بود، این موضوع را به اثبات می رساند که بازنگری کلی پالیسی های قبل از انجام عملیات، قبل از اینکه کدام سلاح هوائی فیر گردد، یک ضرورت مبرم است. یوناما خاطر نشان می سازد که نه یافته های تحقیقاتی آیساف از حمله هوائی الینگار و نه کدام تغییرات پالیسی معرفی شده، در دسترس عموم قرار گرفته است. این عکس العمل، از پاسخ آیساف در حملات مشابهی که در ماه جون 2012 در ولایت لوگر رخ داده بود، متفاوت می باشد.[42] زیرا، یک فرمان مکمله آیساف به هدف محدود نمودن بمباردمان مناطق مسکونی افراد ملکی، در آن وقت اصلاح گردیده بود.

با توجه به مشابهت در روند نزولی تلفات افراد ملکی در سالهای 2010 و 2011، در سال 2012 نیز بر اساس یافته های یوناما عین روند دوام یافته و در حدود 54 فرد ملکی توسط عملیات های تجسسی نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان به قتل رسیده و 21 فرد دیگر در عملیات های متذکره مجروح گردیده است. که مجموع تلفات به 75 تن می رسد.[43] رقم متذکره در مقایسه سال 2011، در حدود 33 درصد کاهش را نشان می دهد.[44] از ماه جولای 2012، نیروهای امنیتی افغان بنابر گزارش ها؛ رهبری اکثریت عملیات های نظامی را به عهده گرفتند و چنانچه از جنوری 2013 به این طرف، نیروهای افغان 80 درصد عملیات ها را رهبری می کند.[45]

با توجه به مشابهت در روندی که در دو سال گذشته مشاهده گردید، یوناما هم چنان 26 در صد کاهش را در تلفات ناشی از حادثات مربوط به عکس العمل تدریجی نیروها در مقابل یک پدیده مظنون، به ثبت رسانیده است.[46] که در اثر 33 حادثه جداگانهٔ از این نوع از طرف نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان در حدود 14 فرد ملکی کشته شده و 35 فرد ملکی مجروح گردیده است که مجموع تلفات به 49 تن می رسد. حد اکثر تلفات ناشی از این حادثات به نیروهای امنیتی افغان نسبت داده می شود.

---

http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/Documents/UNAMA%20POC%202011%20Report_Final_Feb%202012.pdf

[39]. همان: در سال 2011، بر اساس یافته های یوناما در نتیجه حملات هوائی در حدود 235 فرد ملکی به قتل رسیده و 118 تن دیگر مجروح گردیده بود.

[40]. عملیات هوائی تهاجمی به آن عملیات هوائی گفته می شود که از قبل طرح ریزی شده و از عملیات های هوائی که حالت دفاعی دارد، متمایز گردد.

[41]. جلسه یوناما با مقامات آیساف، ماه سپتمبر و اکتوبر سال 2012، کابل.

[42]. به تاریخ 16 جون 2012، آیساف یک حمله هوائی را بالای یک کمپ مسکونی انجام داد. در نتیجه، 18 فرد ملکی بشمول 7 زن، 5 دختر جوان و یک طفل ده ماهه به قتل رسیدند. در پاسخ، آیساف یک فرمان مکملهٔ را صادر نمود که در آن گفته شده بود که آیساف استفاده از مهمات هوائی را علیه اقامتگاه افراد ملکی فقط در وضعیتی که از نیروهای خود شان در برابر حملات دفاع نمایند، محدود می نماید.

[43]. عملیات های مستقل و مشترک نیروهای امنیتی افغان و بین المللی باعث تلفات فوق الذکر گردیده است.

[44]. بدست آوردن معلومات دقیق در مورد تعداد عملیات های تجسسی یا شبانه و تلفات افراد ملکی ناشی از آن خیلی مشکل می باشد. چون این گونه معلومات بطور عموم محرمانه می باشد. معلومات راجع به تعداد مجموعی عملیات های شبانه که توسط گروپ های مختلفی نیروهای بین المللی و افغان، نیروهای ویژه، نیروهای عملیات های ویژه و نهادهای استخباراتی دولت های خارجی انجام می شود و نیز هرگونه تلفات ناشی از این گونه عملیات ها به دست رس عموم قرار نمی گیرد. محدودیت های مرتبط به محیط عملیاتی و محدودیت دسترسی به معلومات مربوطه، باعث می گردد تا یوناما تلفات افراد ملکی ناشی از عملیات های تجسسی یا شبانه را ممکن کمتر گزارش داده باشد.

[45]. اعلامیه مشترک رئیس جمهور اوباما و رئیس جمهور کرزی در 11 جنوری سال 2013 که در 19 جنوری همین سال از آدرس ذیل بدست آمد. http://www.whitehouse.gov/blog/2013/01/11/president-obama-hosts-president-karzai

[46]. حادثات عکس العمل تدریجی نیروها در مقابل یک پدیده مشکوک یا محافظت نیروها؛ استفاده نیروهای نظامی از نیروی کشنده و غیر کشنده را شامل می گردد و در وضعیتی اتفاق می افتد که افراد ملکی به کاروان های نظامی نزدیک می شوند یا از کاروان ها سبقت می گیرند و در این هنگام آنها به اخطار های پرسنل نظامی توجه نمی کنند، یا به آن اخطار ها آشنائی ندارند یا هم اینکه اخطارها را نمی بینند. یا هم در وضعیتی اتفاق می افتد که افراد ملکی به دستورالعمل های پاسگاه های نظامی توجه نمی کنند.

عکس العمل تدریجی نیروها در مقابل یک پدیده مشکوک که از طرف آیساف صورت گرفته، از 15 حادثه در سال 2011 به 5 حادثه در سال 2012، کاهش یافته است. در ماه سپتمبر سال 2012، آیساف یک طرزالعمل عملیاتی معیاری نمبر 373 را در مورد هدایت و راهنمائی عکس العمل تدریجی نیروها در مقابل یک پدیده مشکوک منتشر ساخت. این رهنمود تعاریف واضح تری از رفتارهای که در مقابل نیروها تهدید شمرده می شود و اقدامات که در مقابل باید مد نظر گرفت را تهیه نموده است.

نیروهای امنیتی افغان و محافظت از افراد ملکی

با انتقال رهبری مسئولیت امنیتی از نیروهای بین المللی به نیروهای امنیتی افغان که در سال 2012 خیلی بخوبی جریان داشت، یوناما به شدت نظارت خود را روی عملیات های نیروهای امنیتی افغان و تلفات ناشی از آن، تمرکز داده بود. در اثر حملات و عملیات های نیروهای امنیتی افغان در سال 2012، در حدود 33 فرد ملکی به قتل رسیده و 63 فرد ملکی مجروح گردیده است. اکثریت این تلفات در زمان جنگ های زمینی علیه شورشیان و معمولاً به تعقیب حمله علیه پاسگاه ها یا کاروان های نیروهای امنیتی افغان، اتفاق افتاده است.

یوناما از اقدامات حکومت افغانستان و آیساف جهت ظرفیت سازی نیروهای امنیتی افغان بخاطر محافظت شهروندان افغانستان و نیز پیگیری و کاهش تلفات افراد ملکی توسط آنها استقبال می‌کند. در ماه می 2012، حکومت یک گروه پیگیری تلفات افراد ملکی را در مرکز هماهنگی معلومات های وابسته ریاست جمهوری ایجاد نمود و نیز داکتر مدبر رئیس دفتر اداره امور را به حیث مشاور رئیس جمهور کرزی در مورد محافظت از افراد ملکی تعیین نمود. یوناما تعهدات جمعی رهبری نیروهای امنیتی افغان(وزارت های دفاع، داخله و ریاست امنیت ملی) را جهت هماهنگی ساختارهای امنیتی بخاطر پیگیری و کاهش تلفات افراد ملکی مشاهده نموده است. در مارچ 2012، دولت افغانستان دستور شماره 4-29 ریاست جمهوری را صادر کرد که به همه نهادهای امنیتی دستور داد تا قوانین، پالیسی‌ها و طرزالعمل های افغانستان را در زمان انجام عملیات‌ها رعایت کنند. با وصف این، یوناما یک نوع بی میلی را در بخش رهبری نیروهای امنیتی افغان جهت تأئید تلفات افراد ملکی توسط عملیات های نیروهای امنیتی افغان و تقویت ظرفیت تحقیقاتی در مورد همچون تلفات را یاد داشت نموده است. این وضعیت نشان می دهد که تلفات افراد ملکی ناشی از عملیات های نیروهای امنیتی افغان ممکن کامل گزارش داده نشده باشد.

سایر تلاش های کاهش تلفات افراد ملکی بین نیروهای امنیتی افغان و آیساف؛ شامل ایجاد ساختارهای تبادله معلومات مانند گروپ کاری مشترک در مورد کاهش تلفات افراد ملکی، هیئت مشترک تلفات افراد ملکی و کنفرانس های نیروهای امنیتی افغان- آیساف در مورد محافظت مردم، می باشد. همان طوریکه تعهدات نیروهای امنیتی افغان و آیساف بخاطر کاهش تلفات افراد ملکی بخوبی ایجاد شده است، یوناما تشویق می نماید تا این ساختارها بطور کامل در تشکیلات نیروهای امنیتی افغان نهادینه شود. بخصوص آن نیروهای امنیتی که در بحث های تخنیکی و عملی و تطبیق معیارهای دقیق عملیاتی و رهنمودی که بخاطر کاهش خسارت به افراد ملکی در جریان عملیات ها در سال 2013 ضروری میباشد، دخیل هستند.
افزایش حملات مواد انفجاری تعبیه شده و تهدید بزرگی که توسط مواد انفجاری متروک بر مردم تحمیل می گردد، نیازمند ظرفیت و منابع زیاد حکومتی بخاطر مبارزه علیه مواد انفجاری تعبیه شده، کشف، خنثی سازی و استحصال مواد متذکره که هم اکنون توسط آیساف صورت می گیرد، می باشد.[47] ستراتیژی ملی سال 2012 در مورد مبارزه علیه مواد انفجاری تعبیه شده، که به تاریخ 24 ماه جون سال 2012 توسط شورای امنیت ملی افغانستان به تصویب رسید، یک گام اساسی بخاطر رشد بیشتر ظرفیت نیروهای امنیتی افغان جهت مبارزه و رفع تهدید رو به رشد مواد انفجاری برای افراد ملکی، می باشد. یوناما از آیساف و سایر همکاران شان دعوت به عمل می آورد که حمایت خود را از نیروهای امنیتی افغان بخاطر فرماندهی، کنترل و انجام مبارزه مؤثر علیه مواد انفجاری تعبیه شده و خنثی سازی این مواد بشمول استحصال آن، افزایش دهد. حمایت نیروهای امنیتی افغان بخاطر تطبیق ستراتیژی مبارزه با مواد انفجاری تعبیه شده باید یکی از اولویت های آیساف و جامعه بین المللی در سال 2013 تا 2014 باشد.

[47]. استحصال و بهره برداری مواد انفجاری تعبیه شده شامل موارد ذیل می گردد: تشخیص، جمع آوری، تولید و توزیع نمودن معلومات جمع آوری شده از ساحه حادثهٔ مواد انفجاری به منظور به دست آوردن اطلاعات نظامی قابل استفاده، بخاطر تقویت طرزالعمل و میتود مبارزه با مواد انفجاری و به جهت کاهش منابع شورشیان و بخاطر تقویت پروسه تعقیب عدلی آنها. این استحصال شامل حفظ، تشخیص و ترمیم عناصر مواد انفجاری تعبیه شده برای آزمایش های تخنیکی، قانونی، بایومیتریک و تحلیلی شده که توسط نهادهای متخصص انجام می گیرد. استحصال مواد انفجاری تعبیه شده یک بخش اساسی اقدامات مؤثر و قوی علیه مواد انفجاری می باشد

جنگ های زمینی و محافظت از افراد ملکی

در سال 2012، جنگ های زمینی میان نیروهای دولتی/همکاران بین المللی شان و عناصر مخالف دولت درحدود 438 فرد ملکی را به قتل رسانده و 1108 تن دیگر را مجروح نموده است. که مجموع تلفات ناشی از این حادثه به 1618 فرد ملکی می رسد. رقم متذکره در حدود 22 درصد در مقایسه سال 2011 کاهش را نشان می دهد. جنگ های زمینی در حدود ۲۱ درصدِ تمام تلفات افراد ملکی را تشکیل می دهد که بعد از مواد انفجاری تعبیه شده بلندترین رقم تلفات را باعث گردیده است.

هرچند افزایش تلفات ناشی از حادثهٔ متذکره در زونهای مرکزی، مرتفع مرکزی، شمال شرق، شمال و غرب که با ازدیادگروپ های مسلح غیر قانونی در این ساحات همراه بوده، صورت گرفته است. بطور مثال، ولایت فاریاب در زون شمال از لحاظ سطح بالای جنگ های مسلح زمینی در ردیف چهارم قرار دارد.[48] در زون های جنوب، جنوب شرق و شرق کاهش تلفات ناشی از جنگ های زمینی با کاهش عملیات های نیروهای امنیتی افغان و آیساف در خارج از مراکز ولسوالی و کمتر شدن جنگهای مسلح زمینی بین نیروهای دولتی/همکاران بین المللی شان و شورشیان، مرتبط می باشد.

برنامه پولیس محلی افغان

یوناما برنامه پولیس محلی افغان را با تهیه گزارش های مختلط در مورد رفتار پولیس محلی و تأثیر این برنامه روی محافظت از افراد ملکی بطور دوام دار نظارت نموده است. اکثریت مردم بهتر شدن اوضاع امنیتی را در مناطقی که پولیس محلی حضور داشته، گزارش داده است و بهتر شدن اوضاع امنیتی در ساحات متذکره با گسترش پولیس محلی در این ساحات در جریان سال 2012 همراه بوده است.
یوناما بهبود در پاسخ دولت به نقض‌های ارتکاب یافته توسط اعضای پولیس محلی افغان و قدم‌های برداشته شده توسط ریاست پولیس محلی افغان در کابل و وزارت امور داخله به تحقیق و تعقیب اعضای مظنون به ارتکاب تخلف را مشاهده نموده است. به عنوان مثال، وزارت امور داخله واحد نظارت و تحقیقات پولیس محلی افغان را در اواسط سال 2012 ایجاد نموده و بر تعداد اعضای نیروهای امنیتی ملی افغان در داخل هر واحد پولیس محلی افزوده است. علیرغم این کوشش‌ها، پولیس محلی افغان در بعضی ولسوالی‌ها به ارتکاب نقض‌های حقوق بشری همراه با معافیت ادامه می‌دهند.

یوناما در ولسوالی های متعدد[49]، نقض های جدی حقوق بشر را دوام دار به ثبت رسانیده و گزارش های را در مورد ناسازگاری و عدم رعایت پالیسی های که پروسه استخدام و بررسی پولیس محلی را هدایت می کند، دریافت نموده است. یوناما، بطور مشخص عدم یک پروسه قوی بررسی را در جریان تلفیق نمودن و داخل نمودن گروپ های دفاع محلی در صفوف پولیس محلی، مشاهده نموده است. بطور مثال، یک عده از نیروهای دفاع محلی که توسط آیساف در ولایت کندز ایجاد شده بود و به نقض حقوق بشر نیز متهم بودند، بدون کدام بررسی درست در صفوف پولیس محلی پیوست و حالا به عنوان پولیس محلی حقوق بشر افراد ملکی را دوام دار نقض می نمایند.[50] مردم، نگرانی هایش را در مورد پولیس محلی چنین گزارش داده است: ضعف فرماندهی و کنترل گروپهای پولیس محلی توسط رهبری پولیس ملی، نظارت ضعیف و موردی، و عدم پاسخ دهی اعضای پولیس محلی در مورد نقض حقوق بشری که در گذشته انجام داده و یا حالا انجام می دهد.

یوناما، 55 حادثه ی تلفات افراد ملکی را که پولیس محلی در آن به نحوی دخیل بوده به ثبت رسانیده است. در نتیجه حوادث متذکره 24 فرد ملکی به قتل رسیده و 38 فرد ملکی مجروح گردیده است، که مجموع تلفات به 62 تن می رسد. 13 حادثه مربوطه ناشی از جنگ های زمینی بوده، در حالیکه اکثریت تلفات افراد ملکی ناشی از نقض حقوق بشر توسط پولیس محلی بوده و این نقض ها علیه افراد ملکی، بخصوص در زون های شمال و شمال شرق صورت گرفته است.
با توجه به گسترش پولیس محلی در آینده تا سقف 45000 عضو، این ضروری است تا نظارت و پاسخ دهی پولیس محلی توسط وزارت داخله تقویت گردیده و توسعه یابد.

---

[48]. مستندات اداره امنیت و مصئونیت ملل متحد، 9 جنوری سال 2012.
[49]. یوناما حادثات متعدد از نقض های جدی حقوق بشر را در ولسوالی های دشت ارچی، چهار دره و علی آباد ولایت کندز و ولسوالی خاص ارزگان ولایت ارزگان به ثبت رسانیده است.
[50]. این دو ولسوالی بنام های ولسوالی دشت ارچی و چهار دره نامیده شده و در ولایت کندز موقعیت دارد. به بخش پولیس محلی در این گزارش مراجعه گردد.

قیام های محلی علیه عناصر مخالف دولت

در سال 2012، چندین مورد قیام های عمومی مردم علیه طالبان و سایر عناصر مخالف دولت در زون های مرکزی، شمالی، جنوب شرقی و شرقی توسط یوناما به ثبت رسیده است. تعداد زیادی از این قیام های کوتاه مدت بوده و یا فقط از تظاهرات های عمومی تشکیل شده بود. گروپ های مسلح محلی به عنوان حمایت کنندهٔ حکومت غالباً همچون قیام ها را رهبری می کردند و نیز مردم محلی را تشویق می نمودند تا در مقابل عناصر مخالف دولت مقاوت نموده، حمایت کننده گان شان را منسجم نموده تا در مقابل عناصر مخالف دولت جنگ مسلحانه نماید و نیز به نیروهای امنیتی افغان حمایت مسلحانه نموداند.[51] مهم ترین قیام در ولسوالی اندر ولایت غزنی صورت گرفته بود. قیام متذکره در ماه اپریل 2012 شروع گردیده بود و نیز یوناما تلفات 45 فرد ملکی را که بطور مستقیم یا غیر مستقیم به این قیام ارتباط می گیرد، به ثبت رسانیده است.[52]

گروپ های مسلح و محافظت از افراد ملکی

در سال 2012، یوناما، افزایشی را در نقض حقوق بشر افراد ملکی توسط گروپ های مسلح غیر قانونی به ثبت رسانیده است. در مجموع 28 حادثه از این دست، تلفات 62 فرد ملکی را به دنبال داشته است. این حادثات شامل قتل های هدفمند، اختطاف، تهدید، ارعاب، آزار و اذیت مردم، اخاذی یعنی به زور گرفتن مالیات، تصرف مکتب ها، تهدید علیه آموزگاران، تجاوز جنسی و قتل را شامل می شدند.[53] اکثریت این تخطی های که توسط یوناما به ثبت رسیده، در ولایات فاریاب و کندز واقع گردیده است.

حضور و ظهور مجدد این گروپ ها، که بعضاً با حکومت محلی متحد شده و بعضی به شکل مستقل عمل می کنند، بخصوص در زونهای شمال و شمال شرق، ممکن با موضوعات افزایش حضور عناصر مخالف دولت در بعضی از ولسوالی های دور دست ارتباط داشته باشد و دلیل ظهور این گروپ های مسلح بخاطر جنگ علیه شورشیان یا محافظت مردم در مقابل آنها ظهور نموده، خلاء امنیتی مرتبط به انتقال نیروهای نظامی، مقاصد مجرمانه، بی ثباتی سیاسی و ناامنی عمومی باشد. تعداد زیادی از این گروپ های مسلح غیر قانونی با معافیت عمل نموده، در پیشگاه هیچ مقامی پاسخگو نبوده و تهدید جدی علیه افراد ملکی می‌باشند.[54]

در معرض خطر قرار گرفتن افراد ملکی: محافظت از حقوق بشر در مناطق جنگ زده
اطفال

در سال 2012، خشونت های ناشی از جنگ در حدود 488 طفل را به قتل رسانده و 814 طفل دیگر را مجروح نموده اند که مجموع تلفات به 1302 تن پسر و دختر می رسد. رقم متذکره یک کاهش نسبی را در مقایسه سال 2011 نشان می دهد. در تلفات اطفال تمام تاکتیک های جنگی سهم دارند اما اکثریت تلفات ناشی از مواد انفجاری تعبیه شده و جنگ های زمینی بوده است. از 1302 پسر و دختر کشته شده و مجروح افغان، تاکتیک های عناصر مخالف دولت در حدود 283 طفل را به قتل رسانیده و 505 طفل را مجروح نموده است.
174 مورد تلفات اطفال (به شمول 90 طفل کشته شده و 84 طفل مجروح) به نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان نسبت داده می شود. متباقی 115 طفل کشته شده و 225 طفل مجروح قابل نسبت به طرفهای مشخصی جنگ نبوده و بیشترین رقم آنهای که قابل نسبت نبوده را میتوان به مواد انفجاری باقی مانده از دوران جنگ نسبت داد. اطفال بطور دوام دار به عنوان گروپی تلقی می گردد که بیشترین آسیب را از ناحیه مواد انفجاری باقی مانده از دوران جنگ متحمل می گردد. در حدود 160 از مجموع 208 تلفاتی که به مواد انفجاری باقی مانده از دوران جنگ نسبت داده می شود را اطفال(بیشترین شان را پسر های جوان) تشکیل می دهد. و رقم متذکره 77 درصد مجموع تلفات ناشی از این مواد را نشان می دهد.

---

[51]. بر اساس حقوق بشردوستانه بین المللی، افراد ملکی نباید مورد حمله مستقیم قرار بگیرد، اما زمانی که آنها در جنگ ها بطور مستقیم سهم می گیرند، دیگر به عنوان افراد محافظت شده تلقی نگردیده و وضعیت ملکی بودن خود را از دست می دهد. اعضای گروپ های مسلح منسجم که به یک طرف غیر دولتی سهیم در جنگ، تعلق دارند، تا آن وقتیکه فرض شود که دوام دار در وظیفه جنگی شان می باشند، فرد ملکی تلقی نشده و وضعیت محافظت شده را در مقابل حملات مستقیم از دست می دهد.

[52]. این تلفات در بین ماه اپریل و دسمبر 2012 رخ داده و تلفات افرادی که بطور مستقیم در جنگ ها سهم داشتند را شامل نمی گردد.

[53]. یوناما این اعمال را نقض حقوق بشر تلقی می کند. بخصوص زمانی که این اعمال توسط گروپ های غیر دولتی سهیم در منازعه مسلحانه صورت گرفته و به شکل غیر مستقیم با حکومت ارتباط دارند. زمانی که گروپ های مسلح عملیات ضد شورشی و عملیات های امنیتی را در تحت فرماندهی غیر رسمی مقام حکومتی مانند قومندان امنیه، افسر امنیت ملی یا ولسوال انجام می دهد، یوناما اظهار می دارد که این گروپ ها بخش از نیروهای مسلح طرف درگیر در منازعه مسلحانه را تشکیل می دهد. آنها باید مسئولیت پذیر باشند و برای نقض حقوق بشری شان مسئول تلقی گردد.

[54]. همان.

یوناما گزارش های در مورد 39 حادثهٔ استخدام و استفاده از اطفال را در منازعات مسلحانه دریافت نموده است. حادثات متذکره در حدود 116 طفل را در بر می گیرد.[55] عناصر مخالف دولت، اطفال را به خاطر انجام حملات، محافظ و کارهای اکتشافی استفاده می نماید و در بعضی مثال ها برای بهره گیری جنسی نیز استفاده نموده است. حقوق بین المللی؛ سوء استفاده های جنسی و استخدام اطفال را جهت سهم گیری در جنگ ها بطور واضح به عنوان جرایم جنگی محسوب می نماید.[56]

یوناما، 3 تا حادثهٔ را به ثبت رسانیده است که در آن سه طفل بخاطر انجام حملات انتحاری از بین رفته است و علاوتاً 48 طفل بخاطر اتهام قصد انجام حملات انتحاری، توسط نیروهای امنیتی افغان دستگیر گردیده است. هم چنان، نیروهای امنیتی افغان، تعداد زیادی از اطفال را بخاطر ارتباط شان با عناصر مخالف دولت، دستگیر نموده است.[57]

زنان و دختران

زنان و دختران، از نتایج منازعات مسلحانه فوق العاده زیاد و به شکل دوام دار[58] رنج دیده است. تعداد زنان و دخترانی که به قتل رسیده و یا مجروح گردیده است، در مقایسه سال 2011، در حدود 20 در صد افزایش یافته است. یعنی در سال 2012، در حدود 301 زن و دختر به قتل رسیده و 563 زن و دختر مجروح گردیده است که مجموع تلفات به 864 تن می رسد. اکثریت طبقه اناث زمانی کشته و زخمی گردیده اند که مصروف فعالیت های روزانه خویش مانند مصروف کار در خانه و مزرعه، بوده است.

از مجموع 1302 زن و دختر کشته شده و مجروح افغان، عناصر مخالف دولت در حدود 171 تن آنها را به قتل رسانیده و 334 تن آنها را مجروح نموده است(مجموع تلفات به 504 تن می رسد). در حالیکه نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان در حدود 67 تن آنها را به قتل رسانیده و 88 تن آنها را مجروح نموده است(مجموع تلفات به 155 تن می رسد). متباقی تلفات یعنی 63 تن کشته شده و 141 تن مجروح به طرف های مشخص قابل نسبت نیست،(مجموع تلفات به 204 تن می رسد) زیرا آنها معمولاً توسط مواد انفجاری باقی مانده از دوران جنگ آسیب دیده است.

در سال 2012، آمار کشته شدگان و مجروحین زنان و دختران در نتیجه تمام حادثات ناشی از قتل های هدفمند، بیشتر از سه چند گردیده و در نتیجه 51 تن آنها کشته و زخمی گردیده است. این رقم در سال 2011 به 16 تن می رسید. قتل عمدی زنان در سال 2012 ادامه داشت. بطور مشخص چیزی که خیلی تکان دهنده بود، همانا قتل دو رئیس ریاست امور زنان در ولایت بغلان می باشد که در ماه اگست و دسمبر توسط عناصر مخالف دولت به قتل رسیدند.

منازعات مسلحانه و حق دسترسی به تعلیم و تربیت

خشونت های ناشی از منازعات مسلحانه بطور مستقیم بر روند دسترسی مردم به حق تعلیم و تربیت در تمام زون های کشور، به شکل دوام دار تأثیر گذاشته است. یوناما در حدود 74 حادثه را بشمول سوختاندن مکتب ها، تهدید و ارعاب علیه معملین و کارمندان مربوطه، انفجار مواد انفجاری تعبیه شده در مجاورت مکتب ها، حملات راکتی، جنگ های زمینی، حملات تجسسی و عملیات های نظامی در مکتب ها را به ثبت رسانیده است. هم چنان، مکتب ها، برای اهداف نظامی استفاده شده و تصرف گردیده است، که در نتیجه، وضعیت محافظت شدهٔ مکتب ها را بخطر انداخته و اطفال را در معرض آسیب قرار داده است. بنابر یافته های یوناما در حدود 14 حادثهٔ تصرف مکتب ها در سال 2012 صورت گرفته است.[59]
اعلامیه های طالبان در سال 2012 بطور مکرر بر حمایت شان از تعلیم و تربیت تأکید نموده و نیز از دست داشتن حملات بر مکتب ها را انکار نموده است. هرچند که اکثریت حادثات حملات بر مکتب ها و دخالت به امور مکتب ها، به عناصر مخالف دولت بشمول طالبان، نسبت داده شده است.

---

55. کنوانسیون حقوق طفل، به شخصی طفل می گوید که در زیر سن 18 سال(0-17) قرار داشته باشد.

56. ماده 8(2)(b)(xxvi), (e)(vii) اساسنامه روم خدمت اجباری، ثبت نام و استفاده از سربازان طفل زیر سن 15 سال در مخاصمات فعال در هر نوع مخاصمه مسلحانه بین المللی و داخلی جرم دانسته است .هرچند، نیروهای امنیتی افغان با تطبیق پلان عملی برای جلوگیری از استخدام اطفال و امضاء آن در جنوری 2011، به پیشرفت های دست یافته اند، اما گروه کاری کشوری در مورد نظارت و گزارش دهی، خاطر نشان می سازد که استخدام افراد زیر سن توسط نیروهای امنیتی افغان و بطور مشخص توسط پولیس ملی بطور کامل متوقف نشده است. در یازدهمین گزارش سالانه منشی عمومی ملل متحد در مورد اطفال و منازعات مسلحانه، که موضوعات 2011 را تحت پوشش قرار داده و در اپریل 2012 منتشر گردید، پولیس ملی بخاطر استخدام افراد زیر سن در ضمیمه های گزارش با یک مرجع تکمیلی به پولیس ملی، دوام دار لیست شده است.

57. همچنین به گزارش یوناما تحت عنوان "برخورد با توقیف شدگان منازعات مسلحانه در توقیف خانه‌های افغانستان: یکسال بعد" منتشر شده در 20 جنوری 2013 بنگرید که بازداشت غیر قانونی و شکنجه 80 طفل به وسیله مقامات افغان (ریاست امنیت ملی، پولیس ملی افغان و پولیس محلی افغان) را برای آنچه جرائم علیه امنیت ملی به شمول حملات انتحاری خوانده شده، مستند سازی کرده است. at http://unama.unmissions.org

58. ارقام تلفات دختران افغان بخاطر آسیب پذیر دو چند دختران اطفال در بخش اطفال در تحت عنوان هم زنان و هم دختران انعکاس یافته است. هرچند که ارقام دختران فقط یک مرتبه در داتابیس و رقم مجموعی تلفات، محاسبه شده و به ثبت رسیده است.

59. این معلومات در سال 2012، توسط گروه کاری کشوری در مورد اطفال و منازعات مسلحانه جمع آوری گردیده و تحلیل شده است.

منازعات مسلحانه و حق دسترسی به صحت

یوناما، در حدود 12 حادثهٔ حملات مستقیم علیه تأسیسات صحی را در سال 2012، به ثبت رسانیده است، که در اثر آن در حدود 12 تن کشته و مجروح گردیده است.[60] حادثات متذکره شامل مواد انفجاری تعبیه شده، قتل های هدفمند، اختطاف، تهدید، ارعاب و آزار و اذیت بشمول حملات عمدی علیه تأسیسات صحی و کارمندان مربوطه اش را شامل می گردد. هم چنان، بدتر شدن وضعیت امنیتی در بعضی از مناطق، تغییرات مشخص در عملیات های نیروهای امنیتی افغان و آیساف و نفوذ یا کنترل بعضی ساحات توسط عناصر مخالف دولت؛ به دسترسی محدود به مراقبت های صحی، کمک نموده است.

یوناما یک حادثهٔ تصرف شفاخانه ملکی بدون نشان را از تاریخ 23 تا 25 اکتوبر در ولسوالی چک ولایت وردک که توسط نیروهای ویژه امریکا و اردوی ملی افغان صورت گرفته بود، به ثبت رسانیده است. کلینیک متذکره بسته شده و به عنوان مرکز نظامی غیر رسمی و توقیفگاه مؤقتی برای تعداد زیادی از افراد ملکی که به زودی رها گردیده بودند، استفاده می شد. همچون اعمال، حقوق بشر دوستانه بین المللی را ممکن نقض کند. چون حقوق بشر دوستانه بین المللی مقرر داشته است که کارمندان صحی و بخش های که منحصراً برای اهداف طبی استخدام شده اند، باید در تمام اوقات احترام شده و محافظت گردد.[61]

به دنبال این حادثه، آیساف با ریاست صحت عامه ملاقات نمود تا علامت گذاری مناسب همه تاسیسات طبی را به روش مناسب هماهنگ کند.[62]

افراد ملکی که بر اثر منازعات مسلحانه بیجا گردیده است

در سال 2012، افراد ملکی اصولاً در نتیجه منازعات مسلحانه به شکل دوام دار بیجا گردیده است. در جریان 2012، براساس یافته های کمیشنری عالی ملل متحد برای پناهندگان، در حدود 94299 فرد جدیداً در افغانستان بیجا گردیده است. در سال 2012، تعداد مجموعی بیجا شدگانی داخلی که در اثر منازعات مسلحانه در افغانستان بیجا شده بود، به 486298 تن می رسید[63] که بخش زیادی از اینها از زون جنوب و به تعقیب آن از غرب و شرق افغانستان بیجا گردیده است. در جریان 2012، کمیشنری عالی ملل متحد در امور پناهندگان، علاوتاً در حدود 109158 بیجاشدگانی داخلی را به ثبت رسانیده است که آنها در حقیقت قبل از سال 2012، بیجا شده بودند.

گلوله باری از آن سوی سرحد

یوناما در حدود 206 حادثهٔ گلوله باری از آن سوی سرحد را به ثبت رسانیده است[64]. گلوله باری های متذکره در حدود 12 فرد ملکی را به قتل رسانیده و 63 فرد ملکی را مجروح نموده است. گزارش ها در مورد تخریب خانه ها، مساجد، سوختاندن جنگلات، کشتن حیوانات اهلی و بیجا شدن فامیل ها، نیز دریافت شده است. بر اساس یافته های کمیشنری عالی ملل متحد برای پناهندگان، در حدود 774 خانواده که در مجموع 4625 فرد را تشکیل می دهد، در داخل و یا خارج از زون شرقی بیجا شده است. 760 فامیل که در مجموع 4533 فرد را تشکیل میدهد، بخاطر این گلوله باری ها از ولسوالی دانگام ولایت کنر بیجا شده است.

ملاحظات

11 سال بعد از آغاز این دوره، جنگ های مسلحانه در افغانستان هنوز به شکل دوام دار تلفات وحشتناکی را بر افراد ملکی تحمیل نموده است. هرچند یک کاهش نسبی در تلفات افراد ملکی به دیده نیک نگرسته می شود، اما هنوز خشونت های فراگیری ناشی از منازعات مسلحانه؛ زندگی، معیشت و رفا و آسایش هزارها طفل، زن و مرد افغان را تهدید می کند. حد اقلِ

---

[60]. در سال 2011، 10 تا همچون حادثه که در حدود 6 کشته و زخمی را به دنبال داشت، به ثبت رسیده بود.

[61]. قاعده 25 و 28: کارمندان و اهداف طبی و مذهبی. حقوق عرفی بشر دوستانه بین المللی، جلد 1. جین ماری حینکیرتس و لویز دوزواک، کمیته بین المللی صلیب سرخ، کمبریج، 2005.

[62]. ملاقات یوناما با مقر فرماندهی آیساف، 16 فبروزی 2013، کابل.

[63]. یادداشت از کمیشنری عالی متحد برای امور محاجرین، 17 جنوری 2013.

[64]. یوناما حادثات گلوله باری ها از آن سوی سرحد را با توجه به تأیید آنها توسط چندین منابع بشمول قربانی ها، بزرگان، داکتران، پولیس ملی، پولیس سرحدی و امنیت ملی، نظارت نموده است. یوناما بر این نظر هست که 12 کشته و 63 زخمی یک رقم دقیق می باشد. یوناما در تعداد زیادی از حادثات با قربانی ها و اقارب قربانی ها مصاحبه نموده است. زمانی که منابع دست اول قابل دست رس نبوده، تلفات افراد ملکی را بواسطه مقامات محلی و منابع دست دوم، تأیید نموده است.

حق افغان ها به امنیت، تعلیم و تربیت، مراقبت های صحی، دسترسی به عدالت و آزادیهای رفت و آمد به شدت نقض می گردد و هم چنان افراد ملکی غالباً در میان تهدیدات فزاینده گیر می ماند.
ازدیاد گروپ های مسلح در سراسر کشور همراه با حضور حد اقلِ حکومت و افزایش در کنترل بعضی از ساحات توسط شورشیان؛ غالباً به این معناست که افراد ملکی با توجه به مواجه شدن شان با تهدیدات رو به رشد، هیچ جای را برای محافظت شان ندارند. یک بزرگ قومی از ولسوالی واته پور ولایت کنر وضعیت افراد ملکی در ساحه متذکره را چنین بیان نمودند:
من یکی از اعضای شورای ولسوالی هستم. من طالبان را حمایت نمی کنم. هرچند اگر آنها مرا دعوت کند، من به دیدن آنها می روم. همین طور اگر حکومت و یوناما مرا دعوت کند، من نزد آنها می روم. ما در بین دو آتش گیر ماندیم. هم چنان، آمدن امروزم در اینجا برایم یک خطر است. مردم از من این سوال را خواهد نمود که چرا من اینجام آمدم و آنها می خواهد چه کند. اما می می خواهم چگونگی احساس مردم را بگویم.
مصاحبه یوناما با بزرگان قومی مربوط به ولسوالی واته پور ولایت کنر. آنها کشته شدن سه فرد ملکی توسط یک محکمه طالبان در دوم اکتبر سال 2012 را گزارش داند.

با تداوم صحبت ها و مباحثاتی که میتوان به مذاکرات صلح در سال 2013 کمک نمود، یوناما مجدداً بر ضرورت همچون مباحثاتی که اولیت عمدهٔ شان اقدامات مؤثر جهت محافظت از افراد ملکی و کاهش تلفات افراد ملکی در منازعات مسلحانه باشد، تأکید می نماید. برای افراد ملکی افغان؛ ارزش و اعتبار همچون صحبت ها زمانی احساس می شود که سطح امنیت و محافظت در زندگی روز مرهٔ شان بهبود یابد.

پیشنهادات

یوناما تصریح می نماید که در سال 2013 برای عناصر مخالف دولت، نیروهای امنیتی افغان و نیروهای نظامی بین المللی این یک امر الزامی می باشد که تلاش های شان را بخاطر محافظت از افراد ملکی و توجه به مسئولیت های حقوقی شان جهت کاهش تلفات افراد ملکی، افزایش دهد. یوناما، بخاطر تقویت محافظت از افراد ملکی ، پیشنهادات ذیل را پیشکش می نماید:

پیشنهادات به عناصر مخالف دولت

- حقوق بشر دوستانه بین المللی باید رعایت گردد، اصول تشخیص(تفکیک)، تناسب و اقدامات احتیاطی باید احترام گردد، و نیز فرد ملکی باید طوری تعریف گردد که مبتنی بر حقوق بشر دوستانه بین المللی باشد.

- دستور العمل ها و رهنمود های که اعضا را هدایت می کنند تا از تلفات افراد ملکی جلوگیری نمایند، اجرا گردد. و آن اشخاصی که افراد ملکی را می کشند و مجروح می نمایند باید پاسخ ده تلقی گردد.

- مطابق به حقوق بشر دوستانه بین المللی، هدف قراردادن و کشتن عمدی افراد ملکی بطور عاجل متوقف گردد. هم چنان، آن دساتیری که حملات و کشتن افراد ملکی را اجازه می دهد، مسترد گردد.

- استفاده از مواد انفجاری تعبیه شدهٔ که با تماس قربانی منفجر می گردد، متوقف گردد و نیز بطور مشخص استفاده از مواد انفجاری تعبیه شدهٔ که تفکیک بین افراد ملکی و نظامی قایل نیست، حملات انتحاری و جاسازی مواد انفجاری در اماکن عمومی و جاهای ملکی، منع گردد. رهنمود ها بخاطر ممنوع قرار دادن استفاده از سلاح های که تفکیک بین هدف ملکی و نظامی قایل نیست و سایر سلاحهای غیر قانونی مانند مواد انفجاری تعبیه شدهٔ بشقاب مانند که با آوردن فشار منفجر می گردد، منتشر گردد.

- تمام انواع کشتن، تعذیب و سوء رفتار ها علیه افراد ملکی و نیز سایر نقض های حقوق بشری بطور مشخص تصویب و اجرای مجازاتی که از طریق طرزالعمل ساختار شبه قضایی صورت میگیرد، متوقف شود.

پیشنهاد به حکومت افغانستان

- تلاش ها برای آموزش، تمویل و فراهم نمودن تمام حمایت های ضروری برای نیروهای امنیتی افغان جهت توانا ساختن آنها برای محافظت از افراد ملکی بطور مؤثر، افزایش یابد.

- از طریق ایجاد یک ساختار حکومتی دائمی که تشیکلات های امنیتی مربوطه را نمایندگی نماید، و بخاطر تحقیق و پاسخ به حادثات که منجر به تلفات افراد ملکی می شود قدرت داشته باشد، پاسخ دهی نیروهای امنیتی افغان را حمایت و تقویت نماید.

- تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه مواد انفجاری تعبیه شده در اولیت قرار گیرد. هم چنان، تلاش ها به هدف تقویت بیشتر و تمویل بیشتری ظرفیت نیروهای امنیتی افغان برای فرماندهی، کنترل و اجرای مؤثر عمیات ها علیه مواد انفجاری و خنثی سازی آنها بشمول استحصال مواد متذکره، صورت گیرد.

- همان طوریکه برنامه پولیس محلی در حال توسعه می باشد؛ میکانیزم های بررسی، استخدام، نظارت و پاسخ دهی از جمله از طریق تعقیب و در همکاری با ساکنین محل، بطور مشخص در سطح ولسوالی ها بخاطر جلوگیری از نقض و تخطی از حقوق بشر و بخاطر محافظت بهتر از مردم با کمک نیروهای بین المللی و سایر کمک کنندگان تقویت گردد.

- تمام گروپ های مسلح غیر دولتی باید خلع سلاح گردد و اقداماتی روی دست گرفته شود تا از پاسخ دهی اینها در مقابل تخطی های که انجام می دهد، اطمینان حاصل گردد.

پیشنهاد به نیروهای بین المللی

- به بازنگری رهنمود های تاکتیکی و طرزالعمل عملیاتی که به عملیات های هوائی تهاجمی ارتباط می گیرد، ادامه داده شود. بخصوص، تداوم بازنگری معیاری ضروری می باشد که تعیین و تشخیص اوضاع[65] به شکل مطمئن قبل از حمله، معین گردد. بازنگری های قبل از عملیات و نیز تحقیقات با هماهنگی حکومت افغانستان در قضایای که تلفات افراد ملکی اتفاق می افتد، دوام یابد.

- از تمویل، آموزش و تجهیز کافی نیروهای امنیتی افغان جهت فرماندهی، کنترل و اجرای مؤثر عملیات های ضد مواد انفجاری، خنثی سازی آنها بشمول استحصال مواد متذکره، اطمینان حاصل گردد.

- حمایت خود را جهت تلاش های حکومت افغانستان برای کاهش، پیگیری، تحقیق روی تلفات افراد ملکی و نیز پاسخ دهی آنها در قضایای تلفات افراد ملکی، افزایش دهد.

- از طریق نشر عاجل و عمومی تمام کشفیات آیساف در مورد حادثاتی که تلفات افراد ملکی را به دنبال دارد و نیز از طریق تعقیب پاسخ دهی و اقدامات انضباطی و تهیه جبران خسارت و پرداخت غرامت به شکل سیستماتیک؛ شفافیت، پاسخ دهی و ارتباط بهتر با افغان های ملکی که متضرر گردیده است، تقویت گردد.

[65]. دیدگاه یوناما/دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر اینست که رویکرد تشخیص"نیت خصومت آمیز" فردی که مورد هدف قرار میگیرد را به عنوان هدف مشروع نظامی تأیید کند. یعنی رویکرد متذکره هدف را به عنوان یک جنگجو با وظیفه دائم جنگی یا فرد ملکی که به شکل مستقیم در جنگ ها سهم می گیرند، باید تأیید نماید.